

# واژگان اقتصادی

(انگلیسی - عربی - فارسی)

دکتر حسین وحیدی



نشریات تهران

تهران - ۱۳۷۵



انتشارات تهران

تهران - خ پاسداران، چهارراه دولت،  
شماره ۲۶ تلفن: ۰۵۴۵۲۱۹  
صندوق پستی ۱۹۵۸۵ - ۴۸۷

## فرهنگ واژگان اقتصادی

دکتر حسین وحیدی

چاپ اول: ۱۳۷۵

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه ۶۴۱۴۰۱۴  
لیتوگرافی: نورگرافیک  
چاپ و صحافی: چاپخانه رامین  
با همکاری ماهنامه چیستا  
کلیه حقوق محفوظ است.

آقای اللهیار دبستانی به نام «بهمن و استاد اردشیر  
دبستانی» به چاپ این کتاب یاری رسانده‌اند.

## پیشگفتار

### توانایی و ارج زبان پارسی

زبان پارسی از گرانبارترین، روانترین، گویاترین، زیباترین و برای گسترش از تواناترین زبانهای جهان است. بدختانه این زبان بزرگ و زیبا مانند سرزمین برخاستگاه آن، در درازنای زمان گرفتار تازش فراوان گردیده و به گویایی و ویرگی و زیبایی آن گزند بسیار رسیده است و امروزه این زبان با سخت‌ترین و پرگزندترین تازشها روبرو شده و آن تازش زبانهای باختی است. نوشته زیر را بخوانیم:

«اما اگر قیمت‌های انتظاری اکستراپولاتیو تعیین شوند، یعنی عوامل واقعی و متوسط سیر تاریخی گذشته به زبان دیگر ترند تعیین‌کننده قیمت‌ها در آینده باشد، در اینصورت تعیین ارزش الاستیسیته قیمت‌های انتظاری آسان خواهد بود. به علت عدم وجود پاداش الترناطیو بازده باصطلاح پروپورسیونال است...»<sup>۱</sup> در کنار این نوشته، نگاهی هم به نوشته زیر بکنیم. نامه‌ای درباره انگلیزه رفتن به خراسان:

بعد از انطباع نقوش مودت و ولا بر مرأت ضمیر خورشید ضیاء که از اشرافات غبی مستضی و مستنیر است، برلوح ابلاغ می‌نگارد که چون از آغاز عروج معراج دارایی ایران و ارتقاء مدارج عنایات رحمان پیوسته در خاطر حق‌شناس و ضمیر حقانیت اساس مرکوز بود که دیده شوق را از خاک آستانه منوره عرش درجه روشن سازد و بنابر کثر مشاغل جهانی و شواغل کشورستانی از احراز این سعادت

---

۱. از یک کتاب درسی دانشگاهی، مشتی از خروار.

عظمی و عطیه کبری محروم بود در این ایام سعادت انجام که از سهام کلی و جزیی آن حدود بالکلیه فراغت حاصل گردید مناسب چنان نمود که رقبه همت والا نهمت را از ریقه این دین واجب الادا آزاد ساخته باین تقریب پژوهش احوال ساکنان خراسان نیز که به سبب بعد مسافت مقر خلافت از استفاده اనوار عنایات شامله چنانچه بهرهور نگردیده بود بنوعی که مقتضی عدالت کامله باشد کرده شود و در حین ورود این دیار به جهت رعایت قرب جوار و ارتباط آباء والاتبار لازم دانست که بهارسال صحیفه بی که مذکور شیوه دوستی و اتحاد قدیم باشد محرک سلسله ارتباط گردد...»

و زمانی بود که در زبان فارسی نامه این گونه نوشته می شد:

یکی نامه با لابه و دردمند	نیشتند ازان شهریار بلند
نیشت و فرستاد نزدیک سام	نخست از جهان آفرین بردنام
خداآوند کیوان و بهرام و هور	که هست آفرینندهی پیل و مور
همه با توانایی او یکیست	بزرگست و بسیار و گراندکیست
کنون پادشاهی پر آشوب گشت	سخنها از اندازه اندرگذشت

### چه باید کرد؟

در برابر تازش واژه‌های بیگانه و واژه‌های باختり چه باید کرد؟ پیش از پاسخ به این پرسش باید گفت و دانست که در جهان امروز با گسترش دانش و فن آوری و رسانش و رسانه‌ها تا ماهواره‌های آسمان پیما، وابستگی و پیوند زبانهای گوناگون گریزناپذیر است و این وابستگی و پیوند می‌باشد انجام گیرد، بویژه در کشوری مانند کشور ما می‌باشد زبانهای باختり که پایه پیوند و وابستگی است آموخته و از آن بهره بایسته گرفته شود. آموختن و بهره‌گرفتن از زبانهای باختり به دو گونه می‌تواند انجام گیرد، یکی آن گونه که نمونه‌ای از آن آورده شد، آموختن و بکاربردن واژه‌های بیگانه در زبان فارسی، و دیگر آموختن زبانهای بیگانه و ساختن واژه‌های درست و در خور و رسانی فارسی در برابر هر واژه، و بکاربردن آن، روشنی که این دفتر برپایه آن فراهم گردیده است.

## توانایی زبان پارسی

نخست بگوییم که زبان فارسی از خانوارده زبانهای آریایی است و برپایه آنچه در زیر آمده است توانایی گسترش تا ۲۲۶ میلیون واژه را دارد:

«زبانهای هندواروپایی دارای شمارکمی ریشه در حدود ۱۵۰۰ عدد می‌باشند و دارای تقریباً ۲۵۰ پیشوند Prefix و در حدود ۶۰۰ پسوند suffixe هستند که با اضافه کردن آنها به اصل ریشه می‌توان واژه‌های دیگری ساخت. مثلًاً از ریشه (رو) می‌توان واژه‌های (پیشرو) و (پیشرفت) را با پیشوند (پیش) و واژه‌های (رونده) و (روال) و (رفتار) و (روش) را با پسوندهای (اند) و (ال) و (آر) و (اش) ساخت. در این مثال ملاحظه می‌کنیم که ریشه (رو) به دو شکل آمده است یکی (رو) دیگری (رف).

با فرض اینکه از این تغییر شکل ریشه‌ها صرف نظر کنیم و تعداد ریشه‌ها را همان ۱۵۰۰ بگیریم ترکیب آنها با ۲۵۰ پیشوند تعداد  $1500 \times 250 = 375000$  واژه بدست می‌دهد.

اینک هر کدام از واژه‌هایی را که به این ترتیب بدست آمده است می‌توان با یک پسوند ترکیب کرد مثلًاً از واژه (خودگذشته) که از پیشوند (خود) و ریشه (گذشت) درست شده است می‌توان واژه (خودگذشتگی) را با افزودن پسوند (گی) بدست آورد و واژه (پیشگفتار) را از پیشوند (پیش) و ریشه (گفت) و پسوند (آر) بدست آورد. هرگاه ۳۷۵۰۰۰ واژه‌ای که از ترکیب ۱۵۰۰ ریشه با ۲۵۰ پیشوند بدست آمده است با ۶۰۰ پسوند ترکیب کنیم تعداد واژه‌هایی که بدست می‌آید می‌شود  $375000 \times 600 = 225000000$ . باید نیز واژه‌هایی که از ترکیب ریشه‌ها با پسوندهای تنها بدست می‌آید حساب کرد که می‌شود  $900000 \times 600 = 540000000$ . پس جمع واژه‌هایی که فقط از ترکیب ریشه‌ها با پیشوندها و پسوندها بدست می‌آید می‌شود:

$$225000000 + 375000000 + 90000000 = 226275000$$

یعنی ۲۲۶ میلیون واژه...».<sup>۱</sup>

۱. توانایی زبان فارسی. دانشمند زنده‌یاد دکتر محمود حسابی.

## همسانی ریشه‌ها

توانایی زبان فارسی برای گسترش برپایه آنچه گفته شد و هم خانوارده بودن زبان فارسی با زبانهای باختری و همانندی و همسانی ریشه واژه‌ها کار واژه‌سازی را در زبان فارسی بسیار آسان می‌کند. در زیر نمونه‌هایی از واژه‌های هم‌ریشه و همسان در زبان اوستایی با زبان انگلیسی آورده می‌شود:

انگلیسی	اوستایی	فارسی
---------	---------	-------

## A

aback	آپس	واپس
above	آی وی	أَبْر
air	وايو	هوا
another	انْ ئى	ديگرى
arm	آرم	بازو

## B

band	بند	بند
base	بونويى	بن
be	بو	بودن
beam	بانو (کدبانو: فروغخانه)	پرتو
bear	بَرْ	بر(میوه)
bear	بَر	زايدن (بر)
beaver	بَؤْز	سگ آبی
best	وَهِيشتا	بهشت - بهترین
bottom	بون	بن
bring	بَرَاتى - بَر	بردن
brother	بِراذر	برادر
brow	بروت	ابرو

## C

cave	گَفَى	غار
century	سَعْيَ يَارِ	سده
cessation	سِتَايِتِى	ایست
choose	چُى	برگزیدن
come	گَمْ	آمدن
corps	كَهْرِبْمْ	تن - کالبد
cow	گائو	گاو
crab	كَهْرِبُو	خرچنگ
create	كَرْ	آفریدن
cultivation	كِرَشْى	کشت
cut	كَرْ - كِرِيْتْ	بریدن - کرت - کارد

## D

dale	ذَرِن	دره
dare	ذَرِش	دلیر
daugther	دوْكُدا	دختر
dawn	ديو	درخشیدن - روشنایی بخشیدن
day	دو	روز (روشن)
deceit	دَرُونْخى - دروج	فرب - دروغکاری
demon	دَئُور	دیو
devil	دَئُور	دیو - اهریمن
devote	دا	سپردن - اختصاص دادن
devout	ذَهَمَ	دهمان - پارسا
dexter	ذَشِى نَ	راست
dim	تَمَ (در واژه تمازو)	تم - تار

direct	دیس	سرراست
diverse	دوای تى	چند
domicile	دِماتهیا	خانه - مان
domestic	دامى	دام (در برابر دد)
donate	دا	بخشیدن
door	دِور	در
doughtily	دِوَاتا	دلیرانه
dozen	دَسْن	دو جین
drag	دَرْش	به زور کشیدن
dream	ذَائِ	خواب دیدن
dual	دَو	دو تایی
dupe	دُوْ - دَبْ	گول
duration	دِراجنگْهه	درنگ

## E

east	اوشا	خاور
eat	آذ	خوردن
eight	آشت	هشت
else	انَّئي	دیگری
end	اُنت	پایان
enter	آنَّتر	اندر
establish	آُوس تَئ	ایستانیدن - برپا کردن
ex	اوُس	پیشوند به معنای پیشتر
except	اپا	مگر
exist	آه	هستن
existence	آستَئ	هستی
expel	فَرَّ پِرِ	فروبردن - بیرون کردن

exter

اویس

بیرون

**F**

father	پیتر	پدر
for	پرو	برای
fore	فر	پیش
forth	فر	پیشین
forward	فرا	پیش - پیشین
four	چهار	چهار
fresh	فِرشن	تازه
frog	وزغ	وزغ
full	پُر	پر

**G**

gait	گَ ای تی	گام
gap	گَفَتَی	رخنه
gnaw	غنوچ	خرد خرد جویدن
go	جَم - گَم - گاچن	رفتن
grasp	گِرپا - گِرزو	در چنگ آوردن - گرفتن
grave	گَر	کندن
gravity	گِرگنگه	گرانی - سنگینی - گرانش
gravitate	گَر	کشیده شدن
grievance	گِرژا	گله
growl	گِرم	خرخر
grumble	گِرز - گِرم	خرخر
gulp	گَز	قورت دادن
gut	گُوسنْ	زه - روده

**H**

hang	هنچ	آویزان شدن
haste	اس (از همین واژه: اسو - اهو)	شتاپ
he	هاو - یهمایی	او
homo	هم	هم

**I**

I	آزم	من
ice	ایسی	یخ
immortal	امیرت	امرداد
iron	آینکْهه	آهن
is	استه	است
it	ایت	آن

**K**

knee	ژنَو	زانو
------	------	------

**M**

major	مزوبی	مه (بزرگ)
man	مرت	مرد
market	مرغا	بازار
mass	مسنگهه	توده
matron	مادر	بانو - زن شوهردار
meal	میزو	آرد
mean	منَ	معنی دادن
measure	ما - مر	مر - اندازه

medial	مَئِيدَ	میانی
meditate	مَنْ	منیدن - اندیشیدن
meditation	مَايُرْدُر - مَايْتَر	مانتر - اندیشیدن
meed	مِرْد	مزد - پاداش
memory	مَرِمَ نَ	یاد
mental	مَ این يو	اندیشه‌ای - ذهنی
mentor	مَ نوَّر	رایزن خردمند
mercy	مَرَزِيَ كَ	بخشن
mete	ما	کردن - اندازه‌گرفتن
mid	مَ ايرَى	میانی
mind	مَنْ - منگُھه	اندیشه - من
mix	میاس	آمیختن
month	ما او نگُھه	ماه
moon	ما او نگُھه	ماه
mortal	مَرت	مردندی
mother	ما تر	مادر
move	مو	جنیش
much	مس	بسیار
murder	مَرت	کشتن
murdere	مَ ايرَى	آدمکش
muse	مَنْ	اندیشه کردن

## N

name	نامَنْ	نام
nature	نَى زات	ذاتی
nature	نِزَاد	نزاد (طیعت)
naval	ناوَوَر	ناو

navel	نیا	ناف
neither	نُ ایر	نه
never	ن ایت	هرگز
new	ئَوْ	نو
night	ئَثْ تو- خِشَف	شب
nine	ئَوْن	نه
non	آن	پیشوند - ... آ (پیشوند نفى)
nose	ناالونگھن	بینی - نس (در گوییش خراسانی)
not	نوايت	نه
now	ئَوْ	اکنون

**O**

one	آلوْ	یک
osseaus	آسْتَ	استخوان - استخوانی
other	آنْئِي	دیگر
out	اوْس - اوْز	بیرون
over	اوْئیپری	بالا

**P**

pass	پْر	گذر
pastor	واسْتُر	شبان
pasture	واسْتَر	چراگاه
path	پْتَ	جاده - راه
per	پ آیری	با
plough	فرو	شخم زدن

post	پَسْتْ	پس
prime	پَئُورِي	نخستین
primitive	پَئُورِي	پیشین
prior	فَرِتَر	فراتر
pro	فِرا	برای
promote	فِراز	بالا بردن
putrify	پُو	گندیدگی

**R**

range	رَسْمَن	راسته
rank	رَسْمَن	آراستن
rank	رَاز	رده - ردیف
ray	رَيَّ	پرتو
regulate	رَاز	درست کردن
regulation	رَازَنْكَهَه	دستور
right	إِرِش	راست
rob	روب	ربودن

**S**

same	هَن	هم
save	سو	رهانیدن
saviour	سوشیانس	رهاننده
shine	شَيْت	شید
sit	هَدْ	نشستن
stand	سِتا	ایستادن
star	سِتَر	ستاره
stop	سِتا	ایست

strew	ستَرْ	پاشیدن - افشارندن
strew	ستَرْ	گستردن (بستر)
summit	سَارَ	قله
super	اوْ پَيْرِى	ابر

**T**

teach	دِيس	آموختن
tear	در	پاره کردن - دریدن
ten	دَس	هـ
terror	ترشتنى	ترس بسیار
that	پْ	آن
thee	توا	تو را
theft	تَائِ	دزدی
thirth	تَرْشَنَ	تشنگی
this	آِتَ	این
threat	درش	ترساندن
three	ثَرِي	سـه
thrive	ترا	پیشرفت کردن
thou	تُورم	تو
tooth	دَنَتَان	دندان
trans	ترو	ترا - سراسر
tray	تَشْتَ	سینی - تشت
twelve	دِوَدَس	دوازده
twenty	وِيَسَتَ	بیست
twin	دِوَ	دو قلو
two	دَوَ	دو

## V

vary	وَرْز	گوناگون بودن
vassal	وَاسَ	بنده
very	آَى وِى	بسیار
vesture	وَسْتَر	جامه
victor	وُنْ تَر	پیروز
victory	وِرْث ر	پیروزی
virile	وِير	مردی
voice	وَج	آوا
vomit	وَمْ	ویمش (استفراغ)

## W

waft	وز	وزش
want	وُسْ	خواستن
warm	گِرما	گرم
wax	وَخْش	روییدن - افزایش یافتن
way	ادوائو	راه
we	وِامْ	ما
weather	وَايُو	هو
weave	وَف	باقتن
wed	وَذ (دروازه خانواده)	زنashوبي
weight	وَر	کشیدن - سنجیدن
well	هو	وه - به - خوب
wife	وَنْتو	همسر
will	وَسْ	خواستن
willow	واتو	بید

win	وَنْ	بردن
wind	واَت	باد
wing	واَرَ	بال
wish	اِيش	خواهش - آرزو
wit	ويَد	دانش - نوید (ن - وید)
with	مَث	با
woe	وُئَ	غم
woe	آوَىَ	واى (دریغ)
wolf	وُهْرَك	گرگ
wool	وَرِنَا	پشم
word	وَچ	واژه
work	وَرِزْ	کار - ورز
worm	کِرمَما	کرم

## Y

year	يائيريه	سال
yoke	يورج	یوغ
you	يوژم - توم - ټوم	شما

روش واژه‌گزینی و ساختن واژه فارسی  
برای گزینش و ساختن واژه فارسی برابر واژه‌های بیگانه روش‌های زیر بکار برده می‌شود:

گنجینه ادب پارسی  
گنجینه بزرگ ادب پارسی گرانبهاترین سرچشمه گزینش و ساختن واژه‌های فارسی برابر واژه‌های بیگانه است نمونه:  
شهرستان نیکویی - جامعه تخیلی - مدینه فاضله utopia

به شهرستان نیکوبی علم زد  
همه ترتیب عالم را بهم زد  
گلشن راز - شبستری

steam	بخار	وشم
زوشم دهانش جهان تیره گون	دوچشم ازبرسر چو دوچشم خون	
شاہنامه		

servant	خادم	زوار - زاور
زوارش یکی دخت نام او راست	که بیژن به توران به چاه اندر است	
شاہنامه		

self service	خودزواری	
opportunity	فرصت - مجال	هنگام جستن
با هر کار هنگام جستن نکوست	زدن رای با مرد هشیار و دوست	
شاہنامه		

project	طرح	فرانداز
شاہنامه	نشستند و گفتند و انداختند.	
	واژه «انداختن» در گفته فردوسی معنی «طرح کردن» را می دهد.	

share	سهم شرکت	برخ مایه
	بهره - نصیب - سهم	برخ
برین نیز چندی بگردید چرخ	سیاوش را بد زنیکیش برخ	
long term	طويل المدة	دیریاز
		اگر زندگانی بود دیریاز

فرهنگها - واژه‌نامه‌ها  
از فرهنگها و واژه‌نامه‌های گرانبهای فارسی واژه‌های بسیاری را می‌توان بیرون

آورد و برابر واژه‌های بیگانه نهاد. چند نمونه برای هزاران واژه:

Sketch: rough quickly - made drawing without many details<sup>۱</sup>

بیرنگ: هیولای هرچیز باشد و نقاشان چون نقش کنند اول بیرنگ کشند بعد از آن نقش کنند.<sup>۲</sup>

rent

بهره مالکانه، حق الارض

بهرجه، بهريجه<sup>۳</sup>

Film: thin coating on covering on over...

فیلم

توژه

توژه، توژه - پوست نازک محکم خدنگ که به کمان و زین اسب می‌پیچیده‌اند.<sup>۴</sup>

Cinema

توژه‌نما

Cybernetic

خودرایانی

واژه «سiberنتیک» از واژه «Kybernetes» یونانی به معنی «سکان» ابزاری که رفتن کشتنی را در دریا رایش می‌دهد ساخته شده، سکان از همان واژه «رزنگهه» اوستایی در فارسی می‌شود «رايان، نظم دهنده» و Cybernetic می‌شود «خودرایانی».

### ریشه‌های اوستایی - پهلوی

برای ساختن بسیاری از واژه‌های فارسی برابر واژه‌های بیگانه می‌توان از ریشه‌های اوستایی و پهلوی بهره گرفت. نمونه: در زبان فرانسوی برای واژه «کامپیوتر» واژه «اوردیناتور» بکار می‌رود. برابر واژه order در زبان اوستایی واژه «رزن<sup>۵</sup>» است. این واژه در زبان پهلوی می‌شود «راينيتن» و در فارسی «رایش» و «راش» که واژه «اوردیناتور» می‌شود «رايانه» که خوشبختانه امروزه کاربرد آن همگانی شده است. از همین واژه «رزن» می‌توان واژه «رازمان» را برای واژه «رژیم» ساخت و بکار برد. جز واژه order که در اوستایی «رزن» است واژه هم regulation هم

1- Oxford Advanced Learner's Dictionary

2. واژه‌نامه فارسی بخش چهارم. معیار جمالی.

3. فرهنگ معین

4. فرهنگ معین.

5- An English - Avesta Dictionary.

در زبان اوستایی واژه‌های «رازنگهه» و «رازِر» است. واژه regulate در اوستایی می‌شود «رز» و «راز».

واژه social از ریشه «سک» لاتین گرفته شده که با واژه‌های «هَخْمَن»، «هچ» و «هک» اوستایی و «هازشن» پهلوی به معنی همراهی کردن، با هم کارکردن، پیوستن همراهی است. پس می‌توان برای society واژه «هازمان» و «هازه» را بکار برد. سوسیالیسم، هازه‌گرایی.

پَئیری استه، پریستار، پرستار - پیراپزشکی

واژه «پَئیری» در زبان اوستایی به معنی «پیرامون» است که در فارسی می‌شود «پر» در واژه پرگار و پرچین و «پیرا» در واژه پیرامون «استه» در زبان اوستایی به معنی ایستادن است. از همبندی دو واژه «پَئیری» و «استه» واژه «پَئیری استه» درست می‌شود که با فراگفت پریستار و پرستار در فارسی به معنی دورایستادن، نگاهداری کردن است. پریستار و پرستار یعنی کسی که پیرامون بیمار می‌ایستد و از او نگاهداری می‌کند. همانگونه که زمانی از همبندی دو واژه «پَئیری» و «استه» واژه «پَئیری استه»، پریستار و پرستار ساخته شده، امروز هم می‌توان از همبندی دو واژه «پَئیری» و «بَئزش» اوستایی با فراگفت: «پیرا» و «پزشکی» در فارسی، واژه درست و زیبا و در خور «پیراپزشکی» را ساخت که امروزه در نوشته‌های پزشکی و در بیمارستانها بکار می‌رود!

## نوآوری

می‌توان از واژه‌هایی که در زبان فارسی بکار بردہ می‌شود با ساختار نو واژه نو برابر واژه‌های بیگانه ساخت. نمونه:

واژه «دَائِس» در زبان اوستایی همراهی با Decere لاتین و «دیش» سانسکریت معنی نمودن و نشان دادن را می‌دهد. این واژه در زبان فارسی با فراگفت «دیس» به معنی همانند و نما در واژه‌های «تندیس»، «طاقدیس»، «حوردیس» بکار می‌رود. سعدی گوید:

۱. هر دو واژه: «رایانه» و «پیراپزشکی» ساختهٔ فرهنگستان زبان، فرهنگستان دوم است.

چه قدر آورد بندۀ «حوردیس» که زیر قبا دارد اندام پیس و ازه «حوردیس» را که سعدی بکار برده می‌توان گرفت و بجای واژه «حور» واژه «دور» را برابر واژه «tele» بکار برد و برای واژه «تلوزیون» و بجای واژه نادرست «سیما» که امروزه بکار می‌رود واژه «دوردیس» را ساخت، از دور نشان دادن، درست معنی:

Tele-vision: process of transmitting and reproducing a screen events, scenes, plays, etc.

به همین گونه می‌توان گفت:

دورنگار	تلگراف
دورنگاشته	تلگرام
دورگو	تلفن
دوربین	تلسکوپ
دورنویس	تلکس

درباره روش‌های واژه‌سازی و واژه‌گزینی سخن بسیار می‌توان گفت که در این پیشگفتار نمی‌گنجد.

### ارج و توانایی زبان فارسی

برپایه آنچه گفته شد اگر در زبان فارسی بکار بردن واژه‌های بیگانه، برابرهای درست و در خور و رسای فارسی ساخته شود، زبان فارسی که امروزه گرفتار سخت‌ترین تازشهاست و چنان شده است که نمونه‌ای از آنرا دیدیم به یکی از گرانبارترین، گویاترین و بزرگترین زبانهای جهان فرا می‌گردد. یادآور می‌شود که زبان پارسی را این توانایی هست که در هر رشته و از هر زبان برابر هر واژه بیگانه واژه درست و رسای فارسی ساخته شود.

### فارسی، زبان جهانی

نویسنده اسپرانتودان است و سالهاست که زبان جهانی اسپرانتو را آموزش می‌دهد و چند دفتر درباره زبان اسپرانتو نوشته که «خودآموز زبان اسپرانتو» و

«خودآموز کتاب سیلاجی» چاپ و پخش شده است. نویسنده با بررسی ژرف زبان جهانی اسپرانتو و سنجش آن با زبان فارسی به این برآمد رسیده است که در برابر اسپرانتو زبانی که از هررو توانایی آنرا دارد و می‌تواند یک زبان جهانی و زبان دوم مردم جهان گردد زبان فارسی است. نویسنده در پیشگفتار «خودآموز زبان اسپرانتو» آورده است:

### فارسی، زبان جهانی و زبان دوم مردم جهان

«با اینکه این دفتر خودآموز زبان جهانی اسپرانتو است و نویسنده آنرا برای آموزاندن این زبان نوشته، اما باور او برآن است که زبانی که از هررو توانایی و شایستگی آنرا دارد که زبان جهانی و زبان دوم مردم جهان گردد زبان فارسی است، زبانی سره و پیراسته از واژه‌های دیگر، زبان فردوسی. ساختار زبان فارسی، گسترش واژگان، توانایی همبندی واژه‌ها و پسوندها و پیشوندها، گسترش پسوندها و پیشوندها، دیرینگی، گنجینه بزرگ فرهنگی، گویایی و سادگی و آسانی و روانی و ... همه برتریهایی است که می‌تواند زبان فارسی را به زبان جهانی و زبان دوم مردم جهان فراگرداند... بیاد آوریم که در گذشته بارها زبان فارسی زبان جهانی و زبان دوم بوده است، زبان فارسی باستان در گذشته‌های دور و زبان فارسی در زمانی که ابن بطوطة جهانگرد از زبان کشتیرانان چینی بر رودهای چین شعر سعدی را می‌شنیده. زمانی که زبان فارسی در هندوستان و در دیگر کشورها زبان فرهیختگان بوده و زمانهای دیگر. اگر رازمان جهان‌خواری زبان انگلیسی و فرانسوی و دیگر زبانها را در جهان گسترد و زبان فارسی را واپس زد، هرگز چیزی از ارج این زبان نکاست. در جهان امروز زبان فارسی باز می‌تواند گسترش یابد و زبان جهانی و زبان دوم مردم جهان گردد.

این باور نویسنده است درباره زبان فارسی از دیدگاه جهانی شدن، و آیا فارسی چنان خواهد شد، این دیگر بستگی به کوشش ما ایرانیان دارد که در راه پیراستن و گسترش زبان زیبای خود بکوشیم، به امید آن روز که جز طوطیان هند و بنگاله، همه سخنگویان فرهیخته جهان شکرشکن قند پارسی گردند:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود<sup>۱</sup>  
در باره توانایی و ارج زبان فارسی سخن بسیار است که به همین اندازه بسنده  
می‌کنم و پشگفتار را با گفته‌ای بس ژرف و ارزشمند که در سرآغاز «لغتنامه فارسی»<sup>۲</sup>  
آمده و در سرآغاز هر فرهنگ و واژه‌نامه‌ای می‌بایست آورده شود پایان می‌دهم: «...  
آنچه را خوانندگان گرامی در این کتاب می‌بینند حاصل یک عمر نیست بلکه نتیجه  
عمرهاست...»

دکتر حسین وحیدی

۱. حافظ.

۲. دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - مؤسسه لغتنامه دهخدا.

# A

انگلیسی	عربی	فارسی
abandon	ترك کردن	رها کردن - واگذاردن دست کشیدن از
abandonment	ترك - صرف نظر -	واهشتن
	عدم تعقیب - متروکیت	
abatement	رفع مزاحمت - تخفیف	گذشت - بخشش زیان
	منع - تنزل - رفع	هزینه کاهی - بدھکاھی تاوانبخشی - بخشش تاوان
abbreviation	اختصار - مختصر - مخفف	کھستن
abbreviated	مختصر	کھسته
abeyance	وقفه - تعلیق -	بس داشتن
	تعویق - بلا تکلیفی	
ability to pay	قدرت تادیه	توانایی پرداخت
ability	قدرت - استعداد - لیاقت	توان - توanایی - توانش
	استطاعت - صلاحیت	
ablation	قطع - رفع	برداشت - سودگی - سودش
abnormality	امر خلاف قاعده - غیر عادی	نابهنجاری
abonnmment	حق عضویت	هموندانه

aborigine	اصلی	بومی
aborigines	سکنه‌اولیه - اهالی قدیم	بومیان - بومیان نخست
abortion	سقط جنین - عدم تکامل	افگانش - فگانش
abortive	سقط شده - مسقط - ناقص	فگانه
abortiveness	عدم تکامل - نقص - عدم موفقیت	نارسی
about	قریب - در حدود - حدوداً - در اطراف	پیرامون - نزدیک به - نزدیک
above	در فوق	دربالا
abrasion	کسر یا نقصان وزن مسکوک براثر کثرت استعمال - حک	ساپ - سایندگی - ساوش
abrasor		سنگ ساب
abridge	مختصر کردن - خلاصه کردن	کهستن
abridged	مختصر - خلاصه	کهسته
abridgement	خلاصه - مجلمه	کهست - فشرده‌نویسی - کوتاه شده
abrogation	نسخ - فسخ - الغاء - بطلان	برافکند
absence	غیبت - غیاب - فقدان - عدم	نامدگی - نبود
absent	غایب	نامده
absence of	فقدان ذخیره	
consideration	(برای یک برات)	نبودن مایه
absentee	غایب	نامده
absenteeism	غیبت از ملک	نباشایی
absentic ownership		دور بهرمندی - دور بهرگی - دور بهره‌وری
absenteeism rate	نسبت غیبت	نرخ نامدگی
		در چند نامدگی - آهنگ نامدگی
absolute	مطلق	آوند
absolute advantage	مزیت مطلق	برتری آوند

absolute efficiency	قابلیت مطلق	کارایی اوند
absolute income	فرضیه عایدی	انگاره درامد
hypothesis	مطلق	اوند
absolute monopoly	انحصار مطلق	تکداری اوند
absolute priority	تقدم مطلق	پیشینی اوند
absolute value	قیمت مطلق	ارزش اوند
absolutely	مطلقاً	اوندانه
absolutism	مطلقیت - استبداد	کامه‌گزاری
absorption	جذب	دراشام
absorb	جذب	دراشمیدن - یک کاسه کردن
absorption account	حساب ادغامی	شمار یک کاسه
abstinence and waiting	امساک و انتظار	خودداری و شکیبای
abstinence theory of interest	نظریه نفع مبتنی بر امساک	دیدمان بهره برپایه خودداری
abstract	مجرد - غیر مجسم - مطلق - غیر عملی غیر محسوس - انتزاعی	برآهیخته
abstract (to)	خلاصه کردن (یک حساب)	چکیده کردن
abstract of account	خلاصه حساب	چکیده شمار
abstract bulletin		چکیده نامه
abstract journal		چکیده نامه
abstracting	خلاصه نگاری - چکیده نویسی	چکیده نگاری - چکیده نویسی
abstracting service		بخش چکیده نویسی
abstraction	تجزید، اختلاس	برآهنچ
abuse	سوء استفاده - تضییع - سوء استعمال - تجاوز به حقوق	کاربرد نابجا
academic		فرهنگی - دانشگاهی
acceleration	سرعت	شتاب

accelerator		شتابنده
accelerated depreciation	استهلاک سریع	کامستگی بشتاب
accelerated motion	حرکت مسرعه	میوش <sup>۱</sup> بشتاب
accelerated premium	جایزه - انعام مسرعه	پاداش بشتاب
acceleration coefficient	ضریب سرعت	همگرشتاب
acceleration principle	اصل سرعت	ئینشت شتاب
acceleration theory	نظریه سرعت	دیدمان شتاب
acceptance	قبولی	پذیرش
acceptable	قابل قبول	پذیرفته
acceptance bill	برات قبولی - سند قبولی	براتگزار
acceptance account	حساب قبولی	شمار پذیرش
acceptance credit	اعتبار قبولی	ارزه پذیرفته
acceptance dealer		برات فروش
acceptance market		بازار برات
accepting house	موسسه قبولی	بنگاه برات
non acceptance	نکول - عدم قبول	نپذیرفتن - خودداری از پذیرفتن
accepted	قبول شده	پذیرفته
acceptor	قبول نویس	پذیرنده - پذیرفتار - پذیرا
	قبول کننده برات	
acceptance for honour	قبول نویس شرافتی	پذیرش پاسمندانه
access		دسترسی
access method		روش دسترسی
accession		نوگماری
accession rate		نرخ نوگماری

accession record	بیشینه نوگماری
accident	دشامد
accident frequency rate	نرخ بسامد دشامد
	میزان وفور حادثه
accommodation	همسازی - جاگرفتن
accommodation acceptance	پذیرش دوستانه
accommodated culture	فرهنگ همساز
accommodated group	گروه همساز
accommodated society	هازمان همساز
	هازه <sup>۱</sup> همساز
accommodation indorsement	پشت‌نویسی دوستانه
accommodation paper	برات دوستانه
accompany (to)	همراهی کردن (با)
accompanying invoice	سیاهه همراه
accomplish (to)	انجام دادن
accord	سازش
accord and satisfaction	سازش و خرسندی
account	شمار
accountability	شمارپذیری - پاسخگویی
	جواب‌گویی
accountable	شمارپذیر
	مسئول حساب - ملتزم - قابل توضیح
accountableness	شمارپذیری
accountancy	شمارداری
accountant	شماردار

accountanship		شمارآموزی
accounting	حسابداری	شمارداری
accreditation		ارزشگذاری
accredited	مجاز - معتبر	ارزشور - دارای استوارنامه
	دارای اعتبارنامه	
accretion		برافزود
accrued dividend		سود بهر پرداختنی
accumulation	تراکم	انباشتگی
accumulated dividend	نفع سهام متراکم -	سود بهر انباشت
accumulator	ربح جمعی سهام	
accumulator	حافظه (اصطلاح کامپیوتر)	انباشتار
achievement		کوشورد
acquirement	تحصیل - اكتساب	بدست آوردن
acquired surplus	مازاد مکتب	فروزونه بدست آمده
acquisition	تملک - تحصیل - جلب منفعت	بدست آوردن - سودیابی
acquittance	مفاضا حساب	پرداختنامه - واریزnamه
acre		جریب
act	فعل - عمل	کار - کوشش
action	عمل، فعل، اقدام	کنش، کردار
active account	حساب در جریان - حساب فعال	شمارکارا
activation	عمل فعالسازی	کناگری
active	فعال	کاری - کنا
active balance		مانده کوشنا
active balance of payments	موازنه مساعد پرداختها	تراز کوشای پرداختها
active circulation		پول درگردش کوشنا
active crowd	جماعت فعال	انبوه کوشنا

active market		بازار کوشا
active stock	سهم فعال	بهر کوشا
active trade balance	موازنہ مساعد تجارتی	تراز کوشای بازرگانی
activity	فعالیت	کوشمان
activity rate	نسبت فعالیت	نرخ کوشمان
actual cost	قیمت تمام شده واقعی	هزینه راستین
actual prices	قیمت واقعی	بهای راستین
actual earning	عایدی واقعی	درامد راستین
actual hours		کار زمان راستین
actuary		برامدیاب
ad valorem		از روی بها
adaptation	تطابق - انطباق	سازواری - برگرفت
adapt		برگرفتن - سازوار
adaptable		سازواری پذیر
adaptableness		سازواری پذیری
adapted	منطبق	سازوار - برگرفته
adaption		سازواری - برگزینش
adaptional		سازوارانه
adaptive		سازوارین
adaptively		سازوارینی
add	اضافه کردن - علاوه کردن	افروden
adder	جمع زننده	افزایه - افزایشگر
additional		افزایشی
additional compound		همبود افزایشی
additive		افزایشی
additivity	خاصیت قابل جمع بودن	افزایش پذیری
address		نشانی

addressing		نشانی دادن
adherent	طرفدار	دوست
adhesion	التصاق	چسبندگی
adjust	تعديل - تسویه - اصلاح	آرازیدن - آراشتن
adjustable	قابل تعديل	آراشتني
adjustment	تعديل - تنظیم - تسویه - اصلاح	آراشتمن
adjuster	تعديل کننده	آراشتار
adjustable currency	پول قابل تعديل	پول آراشتہ
administration	مدیریت	فرمداری - کارگردانی کارданی - واشتاری
administrator	مدیر	فرمدار، کارگردان - کار ران
administrative ability	قدرت مدیریت	توانایی فرمداری، کارگردانی کار رانی
administered	قیمت اداره شده،	بهای واشته
price	تنظیم شده	
admission	قبول	پذیرش
admittance	قبولی	پذیرایی
admonition	اخطرار - تنبیه	گوشزد
adolescence	بلغ	برنایی - پزامندگی
advance	ترقی	پیشبرد
advance money	مساعده	پیش پرداخت
advance of salary		پیش پرداخت مزدگان
advance of wage		پیش پرداخت مزد
advanced	راقیه	پیشرفته
advanced countries	مالک راقیه	کشورهای پیشرفته
advantage	مزیت - امتیاز	سری - برتری
advantageous	صاحب مزیت	برتر

adverse	مخالف - مغایر	ناسازگار
adverse trade	موازنہ تجارتی نامساعد	تراز ناسازگار بازارگانی
balance		
advertise	اعلان	دید آهنگی
advice	نصیحت - اعلامیه - نظر - اطلاع	اندرز - آگاهی (درباره فرستادن کالا)
advise (to)	اطلاع - مشورت	آگاهی دادن - رای زدن
advisor	مشاور	رایزن
advisory conference	کنفرانس مشورتی	هموژی اندرزگری
affair	امر - مطلب - موضوع	کار - نهاده - خواسته
affidavit	قسم نامه - اقرارنامه به قید قسم	گواهی نامه - سوگند نامه
affiliated member	عضو رابط	هموند وابسته
affluence	وفور	سرشاری
affluent	وافر	سرشار
affluent society	جامعه مرفه	هازمان سرشار
afforestation		جنگل کاری
affreight		کرایه کردن (کشتی)
after date		از تاریخ
after hours	بعد از ساعت اداری	پس از زمان کار
after sight	بعد از رؤیت	پس از دیدن
after - tax (after disposable income)	بعد از وضع مالیات یا عایدی قابل تصرف	پس از نهادن با ژانه یا درآمد در دسترس
age of high mass consumption	عصر مصرف زیاد جمعی	روزگارگارش بسیار همگانی
agency	عاملی	کارگزاری
agent	عامل - واسطه	کارگزار
agenda	مواد مورد بحث در جلسات	دستور کار

agglomeration	تراکم - جمع کردن	گندش
agglomerate	متراکم	گندیده
aggregate	مجموعه - ارقام کل	هم آمد، هماد
aggregate demand		خواست هماد
aggregate expenditure	مخارج کلی	هزینه های هماد
aggregative Economics	اقتصاد کلی	کدیوری همادین
aggression	تجاوز، حمله	فراتازی
agitation	اضطراب - تشویش، هیجان تلاطم - تکان	آشوب انگیزی - آشوب گری انگیخته
agitator	متلاطم	آشوبگر
agrarian	ارضی	زمینوندی - زمینداری
agrarian reform		بهاراییهای زمینداری
agrarian system		هنداد زمینداری
agreement	موافقت - توافق	همسازی
agriculture	زراعت	کشاورزی
agricultural climatology		وابشناسی کشاورزی
agronomy	فلاحت	خاک ورزی
aid		یاور - یاریگر
aim	منظور - هدف	کامه
alarm	اطلاع از خطر	سهم
album		دفترگان
algorism		روش خوارزمی
algorithm		خوارزمی - خوارزمی نهاد
alienation	غريبه	بيگانگي
alienation	انتقال	واگذاري - فروش - بيگانگي
alienor	انتقال دهنده	فروشنده - واگذار
alienee	انتقال گيرنده	خريدار

all or none		همه یا هیچ
all - loss insurance	بیمه کل خسارت	بیمه همه زیان
allocation	تقسیط - تخصیص - اعتبار - تسهیم	رسه بندی
allonge	ضمیمه سند	پیوست دبیزه
allotment	وجه اختصاصی - وجه مختص - تخصیص - توزیع - تقسیط	رسه - رسه بندی
allotment sheet		بهربرگ
allow	اجازه	روا
allowed time	وقت مجاز	زمان روا
alphanumeric	الفبایی و عددی	الفباشماری - الفبامری
alphabetizing		الفبایی کردن
alphabetic - classed catalog		فهرست رده‌ای الفبایی
alphabetic code		نیمار الفبایی
alteration	تغییر - ارجاع - اعاده - احالة	دگرش
alterate		دگراندن
altered		درگشتہ
alternance	تناوب	دگرش
alternant		دگرنده
alternate	متناوب	دگره
alternating quantity		چندی دگرشی
alternation	تناوب - نوبت	دگرش
alternative	منحصر به دوشق - شق دیگر	دگره
alternative cost	خرج بدل - خرج عوض	هزینه دگره
alternative rate		نرخ دگره
altitude	ارتفاع	فرازا
amalgamation	اختلاط - ادغام	هم آمیزی - همجوشی
amateur		دوستار

ambassador	سفیر	فرسته
ambulance		بیماربر
amend	اصلاح	بهارایی - به آرایی
amercement	جریمه نقدی	تاوان
amnesty	عفو عمومی	بخشایش همگانی
amortization	استهلاک	فرسایش
amortization quota	وجوه مستهلك	رسد اندوخته
amount	مبلغ - میزان - مقدار	اندازه
amplitude	وسعت	دامنه
amusement	تفریح	سرگرمی
analogy	قياس	هم سنجی
analysis	تجزیه و تحلیل	واکافت
analysis book		دفتر واکافت
analytical entry		شناسه واکافته
analytical index		نمایه واکافته
analytical note		یادداشت واکافته
analyze	تحلیل	کافتن
analyzer		واکافه
anarchism	هرج و مرچ طلبی	بی سالارگرایی
ancestor worship	جد پرستی	نیاپرستی
ancient	قدیمی	باستانی
animal	حیوان	جانور
animal husbandry		دامداری
animal waste	فضولات حیوانی	آخال دامی
animated	ذی حیات	جانمند
animatism		جانداربینی
anharmonic	غیرموزن	ناهماهنگ

annual		سالانه
annals		گاهشمار
announcement	اعلام - اعلان	آگهی
annual earnings		درامد سالانه
annual wage		مزد سالانه
annual wage guarantee		پایندانی مزد سالانه
annual return		بازده سالانه
annuity	مستمری - مقرری	گذرانه
annuity amortization		وام فرسایی - سرمایه فرسایی
annuity cash refund life		پرداخت یکباره مانده گذرانه
anomie	بی قاعدگی	بی هنجاری
anonymous	بی امضا	بی نام
anormal	غیرمتعادل	ناهنگار
antagonism	مخالفت - ضدیت	پدیاری - پادورزی
	خصوصیت - تعارض	
antecedent	سابق - قبلی	پیشاپنداشت
anterior	مقدم	پیشین
anti	ضد	پاد
anticipation	وقوع قبل از وقت مقرر	فراپرداخت - زود پرداخت
	تادیه قبل از وقت مقرر	
anticipation		پیش‌بینی
anti inflation	ضد تورم	پاد آماز
anti thesis	ضد و نقیض	پادنهشت
antique	عتیقه	دیرمانه
anti trust	ضد تراست	پاد انبازگان
appartement		سرپاپار
appeal	تقاضا - مراجعت - استیاف	درخواست - پژوهش خواهی

appearance	ظهور - صورت - ظاهر	نما - نمود
applicant	درخواستگر - درخواستکننده متقاضی - مراجع - مستانف	درخواست - کاربست
application	تقاضا - استعمال	برنمود - پی‌نویسی
application blank		درخواست‌نامه، برگ درخواست
application and allotment sheet	ورقه انتشار سهام	برگ پخش بهرانه
applied	عملی	کاربستی
applied economics	اقتصاد عملی	کدیوری کاربستی
applied science	علوم عملی	دانش‌های کاربستی
appointment	نصب - انتصاب	گماشتن
appointment	اسباب - اثاثه	کاچار
apportion	توزيع - تقسیم	بخش - واگذاردن
apportionment	تعیین حصه - تقسیط	بخشانه - ویزانه
appraise	تفویم	ارزیابی
appraiser	مقوم	ارزیاب
appreciation	درک قدر یا قیمت شی	بهافزاپی - ارزش‌افراپی
	ترقی قیمت پول و ملک	
apprentice		کارآموز
apprenticeship		کارآموزی
approach	تقریب	رهیافت
appropriation	تحصیص وجه	بخشانش - ویزانش
approve	تصویب	پسندش
approximately	نحویاً	نزدیک به
approximation	تقریب	کمابیشی
approximative	نحوی	کمابیش
approximatively		کمابیشگی

aptitude	استعداد - لیاقت -	توانش - امایش -
		توان فراغیری
aptitude for work		آمادگی برای کار
aptitude test	امتحان لیاقت و استعداد	آزمون آمادگی
arable land	قابل زراعت	کشتی
arbiter	حکم	داور
arbitrage	حکمیت	داوری
arbitrage		دادوستد برگه های بهادر
		سفته بازی - ارزینه بازی
arbitragist	واسطه اسعار	سفته باز ارزی
arbitrary	اختیاری	دلخواه
arboriculture	غرس اشجار	درختکاری
arc	قوس	کمان
architect	معمار	مهراز
architectonics		مهرازی
architecture	معماری	مهرازی
archieves	ضباطی	بایگانی
area	منطقه - ناحیه - مساحت	پهنه - میدان
	سطح - عرصه	
argument	دلیل - بحث - حجت - استدلال	روشنگر
arid	لم یزرع - بایر	کماب - خشکسار
aridity		کمابی - خشکی
aristocracy	طرفدار حکومت اشراف	نژادسالاری
arithmetic	حساب	گزماری
arm	اسلحة - سلاح	جنگ افزار - سناه
armament	قوای حربی	سناه گان
arrangement	ترتیب - نظم - قرار	آرایش

array	ترتیب	آراستن
arrear	دیون معوقه - درعقب	پس افت
arsenal		سناه گان - زرادخانه
artesian		چاه جهنده
article	متاع - شیئی	کالا - چیز
article	حرف تعریف - مقاله	شناس واژه - نوشتار - بند
article of association	شرکت نامه - اساسنامه	بنیادنامه
artifact	مصنوع	دست ساز
artificial	مصنوعی	ساختاری
artisan	صنعتگر	افزار مند
ascend	صعود	بالارفتن - اوج
ascendent	صعود کننده	بالا رو
aspect	منظر	رخ - روی - دیم
assay	عیار گرفتن - محک زدن	سنجدیدن
assemble	جمع کردن - مونتاژ	همایندی - سوار کردن سواردن - سوارش
assembly	مجمع - اجلاسیه - مجلس	انجمان - همایه
assessment	تشخیص	ارزیابی
assessor		ارزیاب
asset	موجودی	دارایی - داشته گان
assign	تعیین کردن	گمارش
assignee	حواله گیر - وکیل	براتگیر
assignment	حواله - انتقال - تخصیص	گمارش
assignment of wages		واگذاری مزدها
assimilation	جذب و تحلیل - تشییه	هم اهنچش - همسانش
assistance	مساعدت - کمک - معاونت	دستیاری
assistant	معاون	دستیار

association	شرکت - مجمع - معاشرت اتحاد - تداعی	انجمن - هازه - همازش همپیوندی - همانگیزی
association agreement	قرارداد شرکت	بنیادنامه
association profit	شرکت برای نفع	انجمن سودبر
association not for profit	شرکت نه برای نفع	انجمن ناسودبر
associational		هازشگرانه
associationism		هازشگرایی
associative		هازشی
associatively		هازشانه
assortment	طبقه‌بندی - ترتیب	جورکردن
assume	فرض کردن	گیرش - پنداشتن
assure (to)		بیمه - بیمه کردن - بیمه شدن
assured		بیمه شده - بیمه گذار
assurer		بیمه گر
astronomical theory	نظریه نجومی دور تجاری	دیدمان ستاره‌شناسی -
of the business cycle		چرخه سوداگری
at most		بیشینه
at random		بختانه
at par	به قیمت اسمی	برابر بها
at sight	به رویت	دیداری
at the least	در حداقل	کمینه
atlas		فرنگارنامه - نقشه‌نامه
atmosphere	جو - محیط	وابسپهر
atom		پاریز
attach	حمله کردن	تک
attach	ضمیمه کردن	پیوستن

attached	ضمیمه	پیوست
attachment	ضمیمه	پیوست
attest	شهادت - تصدیق	گواهی
attitude	وضع - حالت	نگرش - برداشت
	طرز تلقی - تمایل فکری	
attorney	وکیل دعاوی	دادگو
attorney - general	مدعی العموم	دادستان
attraction	جلب - جذب	هنچش
attrition	اصطکاک	همسایش
auction	حراج - مزایده	بیش فروشی
auctioneer	حراج چی	بیش فرشنده
	دلال حراج - واسطه حراج	
audience	حضور	شنوندگان - نیوشنندگان
audio	سمعی	شنیداری
audio equipment	وسایل سمعی	سازوبرگ نیوشی
audio visual	سمعی و بصری	دید و شنودی
augment	علاوه شدن	فزانه
augmentative		فزانه پذیر
augmented		فزووده
autarchy	خودکفایی	خود بستنگی
author	مصنف - مؤلف - موسس - بانی	پدیدآور
authority	اقتدار - اختیار	توانروا
authorized issue	سهام مجاز	برخمایه پخشروا
autocracy	حکومت مطلقه - حکومت مستقل	خودسالاری
auto analyser		واکافه خودکار
automatic	غیرارادی	خودکار
automation		خودکاری

automative		خودمیو
automorphism	همشکلی	خودسانی
automobile		خودرو
autonomous	حکومت از خود	خودفرمانی
autonomous investment		سرمايه‌گذاري خودبخودي
autonomy	استقلال	خودفرمانی
auxiliary	معين	يارنده
auxiliary system		هنداد يارند
avail	فايده	سود
availability	موجود بودن	فراهم بودن
available	موجود - قابل استفاده	فراهم - دردسترس
average	معدل - متوسط	ميانگين
average variable cost		ميانگين هزينه وردا
average due date		سررسيد ميانگين
average net return		ميانگين بازده ويزه
average working force		ميانگين نيروي کار
average cost		هزينه ميانگينه
award	جايزيه - اعطا	ارجگذاري
axiom	قضيه بدريهي - علم متعارفي قاعده کلی	بنداشت

# B

انگلیسی	عربی	فارسی
back a bill	ظہرنویسی سند	پشت نویسی
back pay		پی پرداخت
back number		شماره پیشین
backing		پشت وانه
background		زمینه
backward		واپس مانده
backward countries	ممالک عقب افتاده	کشورهای واپس مانده
backwardness	عقب افتادگی	واپس ماندگی
backwash		پس زدگی
bad money		پول بد
bail	ضمان - ضمانت	پایندانه
bailee		پایندانه گیر
bailor		پایندان
bailing		پایندانی
balance	موازنہ	ترازمندی
balance sheet		ترازانمه
balance growth	رشد متوازن	بالندگی ترازانده

balance of trade	موازنہ تجارتی	تراز بازرگانی
balance of payment		تراز پرداخت‌ها
ballot		رأی
banal		پیش‌پا افتاده
band		نوار
bank		بانک
bank acceptance	قبولی بانکی	پذیرش بانکی
bank check		چک بانکی
bank clearance		همراستی بانکی
bank credit	اعتبار بانکی	ارزه بانکی
bank currency		ارز برگ
bank debt	قرض بانکی	بدھی بانکی
bank deposit	ودیعہ بانکی	سپردہ بانکی
bank discount	تنزیل بانکی	فروکاست بانکی
bank interest	ربح بانکی	بهرہ بانکی
bank note		ارز برگ
bank of issue	بانک ناشر اسکناس	بانک پخش
bank reserves	ذخایر بانکی	اندودخته‌های بانکی
bank tranfer	انتقالات بانکی	تراورش بانکی
bankabile bill		برات بانک پذیر
bankruptcy	افلاس	ورشکستگی
bargain	معاملہ	چانه زدن
bargaining		توان چانه‌زنی
barter	تهاصر	کالا به کالا - پایا پایا
basal	اساسی	پایگانی
base	مینا	بن - پایه
base price	قیمت اصلی	بهای پایه

base pay	مبنای تادیه	پایه پرداخت
base time		زمان پایه
base level		پایه تراز
basing rate	تعرفه مبنا	نرخ پایه
bear sale	سلف فروشی	پیش فروش
bearer	حامل	آورنده
behaviour	وضع - سلوک	رفتار
behaviourism		رفتارگرایی
below-par	کمتر از قیمت رسمی	زیربها
bias	تمایل	سوگیری
bidding	دعوت - استدعا اعلامیه - احضاریه	آگهی کارگماری آگهی کار
bilateral	دوجانبه - دوطرفه	دوسویه
bill	قبض - صورتحساب - سند	سیاهه - برات - بیچک نوشته - رسید - بیلک
bill of exchange		برات
bill of loading	سند حمل جنس	بارنامه
bill of materials	صورت مواد	سیاهه کالا
bill of sale	بیع نامه	برگه فروش - فروشنامه بیچک فروش
bill of sale right	برات رؤیتی - برات عندالمطالبه	برات دیداری
bill of demand		برات به درخواست
bill advnace		برات پیشکی
bill bankable	برات سهل التنزیل	برات بانک پذیر
bill blank		برات سفید
bill clean	برات بدون خمیمه	برات بدون پیوست

bill continental	برات قاره‌ای	برات خشکادی
bill credit	برات اعتباری	برات ارزه‌ای
bill diary		یادداشت روزانه
bill discounted	برات نزول شده	برات فروکاسته
bill domestic	برات داخلی	برات درون مرزی
bill foreign	برات خارجی	برات برون مرزی
bill investment		برات سرمایه‌گذاری
bill payment		برات پرداخت
bill prime	برات معتبر	برات ارزنده
bill time	برات وعده - برات ميعادی	برات نادیداری
bill trade	برات تجاری	برات بازرگانی
bill after date	برات بامهلت	برات زماندار
bill broker	دلالهای برات	داسارهای برات
bill falls due on		تاریخ سرسید برات
bill holder		برات دار
bill of goods	صورت اشیاء	سیاهه کالا
bill of store		سیاهه ریز انبار
bill payable after sight		برات دیداری
bill time draft		برات زمان دار
bimetallic		دوفلزی
bimetallic standard		پایه پول دوفلزی
bimetallism	سیستم دوفلزی	هنداد دوفلزی
binary	مبنای دو	دودویی
binary codo		نمار دوتایی
biographer		زیست نگار
biography		زندگینامه
birth	تولد	زادش

birth place	مولد	زادگاه
birth rate	نسبت موالید	نرخ زایش
bit		پیکردو دویی
black bourse	بورس سیاه - بازار قاچاق	واچار سیاه
bivariate	دو متغیری	دوورده شی
black exchange rates		نرخ های ارز سیاه
black interest		بهره بستانکار
black list		فهرست سیاه
black market		بازار سیاه
black market operations		کاربریهای بازار سیاه
blank bill		برات سفید
board	هیئت	همورزان
board of trust		گروه باورگان
board of trustees	هیأت امنا	گروه باورگنان
bonds	سند قرضه - اوراق قرضه	برگ وام
bonus	انعام - جایزه	پاداش
book (to)	ثبت معامله	به دفتر درآوردن
book accounts	حساب های دفتری	شمارهای دفتری
book inventory	موجودی طبق دفتر	دفترداری انبار
book keeper		دفتردار - دفترنویس
book keeping		دفترداری
book of original entry	دفتر ثبت اولیه	دفتر روزانه
book of final entry	دفتر ثبت نهایی - دفترکل	دفتر هماد
book profit		سود دفتری
book value		ارزش دفتری
book record		دفتر یادنگاشت
boom	رونق	شکوفایی

booty	غنیمت	تاراج
borrow	قرض کردن	وامگیری
borrow	اقتباس	برگیری
borrowed capital		سرمایه وامی
borrower	قرض‌گیر	وامگیر
borrowing's card		برگه وامگیری
borrowing		وامگیری
botany		گیاه‌شناسی
bottleneck	حفره اختناق	تنگنای
boulevard		چهارباغ
boomdoggling	استخدام به منظور	کارافزانی
	ایجاد قوه خرید	
boot	فایده	سود
bootless	بیفایده	بدون سود
border	سرحد	کنار - کران - مرز
borderer	سرحدنشین	مرزنشین
borderland		زمین مرزی
boss	رئیس	سالار - سرکرده - کارفرما
bote	غرامت - جبران	تاوان
bottom price	حداقل قیمت	کمینه بها
bound		کران - مرز - ویمند - کنار
boundary	حد - حدود	مرز - ویمند - کرانه - کران
boundary current		تَرَنْ مرزدار
bounded		کراندار
boundless	بیحد	بیکران
bounty	سخاوت	بخشندگی - بخشش
bourgeoisie	طبقه متوسط - کاسب کار	رده میانگین - سوداگر
	اهل کسب کار	

bourse		واچار
boycott	تحریم معاملات	فرابست - فرابندی
brain		مغز
brain trust		اندیشه وران - اندیشه ورزان
brain worker		کارگران اندیشه ور
branch	شعبه	شاخه
brand	علامت تجاری	دج
brach	نقض	شکستن
breach of promise	نقض قول	پیمان شکنی
breach of...		... شکنی
breed	نسل	نژاد
breed	زادو ولد کردن	بچه آوردن
bring in (to)	استرداد	باز آوردن
broadcast		پیامش - پیام‌گستری
broadcasted		پیامیده
broadcaster		پیامنده
broadcasting		پیامش
broker	دلال	داسار
broker's broker	واسطة دلال	خود داسار
brokerage	دلای	داساری
bronze		ارزیز
budget		بنیچه
bull		پیش خریدار
bulletin		آگاهی نامه
bullion		شمშ
bulluonist		شمშ آور
bureaucracy	تشریفات اداری بحد افراط	دیوان سالاری

bureaucrat		دیوانی
bureau	اداره - دایره	دفترخانه
business	شغل - اقتصاد تجاری مؤسسه انتفاعی	سوداگری
business affair		کارهای سوداگری
business cycle	دور تجاری دور فعالیت اقتصادی	چرخه سوداگری
business name		نام سوداگری
businessman		سوداگر
buy	ابتیاع	خریدن
butt	هدف	اماچ
by law	تصویب نامه	آیین نامه
by - product	محصول فرعی	ور فرآورده
by - work	کار فرعی	ور کار
by - way		میان بر
by - road		پس کوچه

# C

انگلیسی	عربی	فارسی
cabinet		وزیرگان - دفتر - دبیرخانه
cadre		کارکنان
calculate	حساب کردن	ماردن
calculation	حساب	مر
calculator	محاسب	مارشگر
calculus	محاسبه	مارش
calculus differential	حساب فاضلیه	مارش جدایشی
calculus integral	حساب جامعه	مارش یکپارچه
calendar	تقویم	گاهنما
call	دعوت	فراخوانی
called up capital	سرمایه مورد مطالبه	سرمایه خواسته
calling loan	قرضهای عندهالمطالبه	زود پرداخت وام
call slip		برگه درخواست
call deposit	حساب ودیعه عندهالمطالبه	شمار سپرده دیداری
account		
call for estimate		دستور برآورد
call price	قیمت اسمی	ارزش نامی

call to account	مؤاخذه	بازخواست کردن
call receipt		رسید پرداخت
callabale	عندالمطالبه	به گاه درخواست
calorie	حرارت	گرما
calorimeter		گرماسنج
cambist	دلل برات - صرف اسناد	ارزگر
camera	دوربین عکاسی	فرتوگیر
cameralism		بهزیگرایی
cameraman		توژبردار
campus	فضای کالج	پردیس
canal		کنال
canalization		کنالش
canvass		پیدا کردن خریدار
canopy		سایه انداز
canteen		ناهارخوری
capability	قابلیت - استعداد - صلاحیت	توانایی
	صلاحیت - لیاقت	
capacity	ظرفیت - استعداد - صلاحیت	گنجایش
cape	راس	دماغه
capital		سرمایه
capital absorbing		سرمایه ربا
capital accumulation		انباشت سرمایه
capital assets		دارایی های سرمایه ای
capital building		سرمایه سازی
capital deepening		سرمایه ژرفانی
capital formation		سرمایه سازی
copital goods		سرمایه کالایی

capital intensive	سرمايه بـر
capital money	سرمايه پولـى
capital reserve	سرمايه اندوخته
capital stock	بهره سرمـايـه
capital surplus	افزونـه سرمـايـه
capital widening	سرمايه گـستـري
capital cost of	هزـينـه سرمـايـه
capital marginal efficiency of	كارـايـيـه مـرـازـال سرمـايـه
capital social	سرـماـيه هـازـمـانـي
capital appreciation	افـزاـيش اـرـزـش سرمـايـه
capital bonus	پـادـاش سرمـايـه - سـود بهـرـانـه
capital budget	بنـيـچـه سرمـايـه
capital budgeting	بنـيـچـه بنـدـي سرمـايـه
capital charges	هزـينـهـاـي سرمـايـه
capital coefficient	همـكـرد سرمـايـه
capital consumption	گـسـارـش سرمـايـه
capital creation	آـفـريـشـهـاـي سرمـايـه
capital employed	سرـماـيه موـرـدـاستـعـمال
capital employed return on	باـزـده سرمـايـه گـمارـدـه
capital expense	هزـينـهـاـي سرمـايـهـاـي
capital expenditure	هزـينـهـاـي سرمـايـهـاـي
capital expenditure project	فرـانـداـزـهـاـي سرمـايـه
capital flight	گـريـزـهـاـي سرمـايـه
capital flow	شارـسـرمـايـه
capital flow and	شارـسـرمـايـه و تـراـزـپـرـداـخـتـهـاـي
balance of international trade	ميـانـكـشـورـانـي

## payment

شار سرمایه و نرخ ارز

## exchange rate

سود سرمایه

بازانه برسود سرمایه

سرمایه آماده کار

کالای سرمایه‌ای وارزه

درون شار سرمایه

بازانه برسرمایه

بدهی سرمایه

زیان سرمایه

بازار سرمایه

میوش سرمایه

برون شار سرمایه

درچند سرمایه - درچند

بازدهی سرمایه

سرمایه پرداخت شده

بازیافت سرمایه

کرایه سرمایه

ساخтар سرمایه

دیدمان سرمایه

ترابرد سرمایه

کارگشت سرمایه

ارزش سرمایه‌ای

سرمایه‌داری

سرمایه‌گردانی

سرمایه‌دار

capitation		سرشماری بازانه‌ای سرانه
capitation tax		بازانه سرانه
capitulation	امتیازات قضایی کنسولها عهدنامه تسلیم	گردنگذاری
carpentry	نجاری	دروبدگری
carry	حمل	بردن
card		برگه
card blanch		سفید مهر
card cabinet		برگه‌دان
card catalog		فهرست برگه‌ای
card punch		سفته‌گر
card puch machine		سفتگر
card tray		جا برگه
cargo	محمولات کشی	کالا بار
carriage	حمل	بردن - باربری
carriage charge	مخارج حمل و نقل	هزینه باربری
career		بن کار
carrier		باربر
cartel		همبندان
cartography		نقشه‌نگاری
case	مورد	افته
case history		افتدنگاشت
case study		افتدشناسی
cash	پول نقد	پیشادست
cash dividend	نفع نقدی سهم	سود بهر پیشادست
catalog		فهرست نامه
catalog card		برگه فهرست

cataloguing		فهرست نویسی - رده گان
cause	علت - سبب	بُرهان
catenary	مسلسل	زنجیری
caste system	نظام فرقه ای	هنداد تیره ای
ceiling	سقف	آسمانه
ceiling price	حداکثر قیمت ها	بیشینه بها
censorship		وابینی
census	احصاء	سرشماری
center	مرکز	میانگاه
central	مرکزی	میانگاهی
central bank	بانک مرکزی	سربانک
central city		میان شهر
centralization	تمرکز	میانگری
centime		یکصدم
centigrade		سد بخشی
century	قرن	سده
ceramique		سفالینه
ceremony	تشریفات	آیین
certificate	تصدیق نامه	گواهی نامه
cartificate check	چک تضمینی	چک پایندان
cession	انتقال	واگذاری
chain	سلسله	زنجیر
chairman	رئیس	فرنشین
challenge	اعتراض - دعوت	چالش
chamber		سراقه
chamber of commerce	اطاق تجارت	خانه بازرگانی
chancellery		وابستگی بازرگانی

change	تغییر	دگرگشتن - پول خرد
changeability	قابلیت تغییر	گردانی
chaneable	قابل تبدیل	گردا
channel	مجرا	کندال
chapter	فصل	فرگرد
character	سیرت - صفت اختصاصی	بنخوی - دخشار
characteristic	مشخصات	دخشاره
characterisics of	مشخصات توسعه نیافتنگی	دخشاره های واپس ماندگی
underdevelopment		
charge		بار - هزینه
charge (to)		به شمار گذاشتن
charm price		بهای چشمگیر
chart		نگاره - بازنما
charter	منشور	فرمان - فرمان نامه
		پیمان نامه کرایه کشتنی
charter accountant	حسابدار قسم خورده	شماردار سوگند خورده
	حسابدار مجاز	شماردار استوان
cheap		ارزان
cheat	تقلب	گول زدن - کلاهبرداری کردن
check (to)	نظارت - مقابله - تطبیق	رسیدگی کردن
check book		دسته چک
check up (to)		وادید
check list		وابینه
checks and balance		بست و تراز
chief	رئیس - مدیر	سرور
chief of state		کشوردار
cheif accountant		مر بد

chronic	مزن	زماندار - کهنه
chronicle	شرح وقایع به ترتیب تاریخ	گاهشمار
chronologic order		آرایش زمانی
chronological age		سال زمانی
chronology		گاهشناصی
chronometer		زماننگار
cinema		توژنما
cinematic		توژانک
circle	دایره - محفل - حوزه	پرهون - جرگه
circular		بخشنامه
circuit	دور - سیر - جریان	گشتمان
circular combination	ترکیب دایره‌ای -	هماوند پرهونی
	انضمام دایره‌ای	
circulation	دوران	گردش
citizenship	تابعیت	شهروندی
city		شهر
city planning		شهر سازی
ciy state		شهر کشور
civil		کشوری
civilization	تمدن	شاروندی - شهرآیینی
civilized	متمدن	شهرآیین - شاروند
class	طبقه - نوع - درجه	رده - آموزگاه
	تقسیم‌بندی	حور
class canflict	مبارزه طبقاتی	کشاکش ردگانی
classic consciousness		آگاهی ردگانی
class differentiation		گوناگونی رده‌گانی
classification	طبقه‌بندی	رده‌بندی

class room		آموزگاه
class struggle	مبارزه طبقاتی	ستیز رده‌گانی
classed catalog		فهرست رده‌ای
classic		پیشگامان
classic		دانشپایه‌ای
classification schedule		فرانمای رده‌بندی
classification system		هنداد رده‌بندی
classifier		رده‌بند
classmate		هم‌آموزه
classical school	مکتب متقدم	دستان پیشگامان
classified trial balance		تراز آزمایشی
classifying the records	طبقه‌بندی استناد	رده بندی یادینه‌ها
clause	ماده - شرط - قید - فقره	بندا
clean	صف	پاک
cleaning	تسویه - تهاتر	واریزی - پایاپایی
clerk	منشی	دبیر - کارمند دفتری
clerkship	منشی‌گری	دفترداری
climate	اقلیم	هواب - واب
climatology		وابشناسی
clique		دارودسته - جرگه
clock		گاه‌سنج
close (to)	مسودود کردن - مسدود کردن حساب	بستن شمار
club		باشگاه
coefficient	ضریب - هم‌عامل - عامل مشترک	همگر
cooperation	تعاون	همیاری
coalition	ائتلاف	هم‌پیمانی
coast	ساحل	کرانه - کناره

code	علامت	نمار
cognition	معرفت	شناخت
coin	سکه	برکوبه
collaboration	تشریک مساعی	همکاری
collapse	سقوط شدید قیمت‌ها (در بورس) اضمحلال	فروریختن
collection	جمع آوری	فرازآوری - گنجینه
collective		گروهه
collective agreement		همسازی گروهی
collective bargaining		چانه زدن گروهی
collectivism		گروهه گرایی
collectivization		گروهه‌سازی
collectivism	نظام اشتراکی - مسلک اشتراکی	گروهه گرایی
collector		فرازآور
collusion	تبانی	ساخت و پاخت
collision	تصادم - تصادف	برخورد - بهم خورد
colony	مستعمره	نوشین
colonialism		نوشین گرایی
combination	اتحاد - ترکیب	همایند
combine	ائتلاف - ترکیب، اتحاد	همایندی
comecon		گروه بازرگانی - باشگاه کشورهای خاوری اروپا - شوروی - بلغارستان - رمانی - آلمان خاوری - چکسلواکی - لهستان - مجارستان
commerce	تجارت	بازرگانی
commercial court	محکمه تجاری	دادگاه بازرگانی
commercial television		دوردیس بازرگانی

commercial mark	علامت تجاری	دَخْش بازرگانی
		نَشَانَه بازرگانی
commercial property	مالکیت تجاری	ازآَنْش بازرگانی
commission	حق العمل - دلالی	كَارْمَزَد - هَمَّگَمَارَه
committee		گَمَارَگَان
common	عمومی	هَامَه
common carrier		كَالَا بَر هَمَگَانِي
common market		كَشُورَهَاهِي هَم بازار اروپا
commonwealth	مشترک المنافع	هَم خواسته
commune		هَمْبَاش
communism	مسلک اشتراکی	هَامَه گَرَايِي
communicable		واَگِيرَدار - هَم رساندنِي
communication	ابلاغ - انتقال - ارتباط	رسانش
communication	قمر مصنوعی ارتباطی	ماهواره رسانشی
satelite		
communication media	وسیله ارتباطی	رسانه
communicator		رسانا
compact	متراکم	تِنْجِيدَه
companionship	رفاقت - مصاحبَت	يَارِي - هَمراهِي
company	شرکت	امْبازَه
compare	مقایسه	سَنجِيدَن
comparable	قابل تطبیق	سَنجِش پذیر
comparative	تطبیقی	هم سَنجِي
comparative advantage	مزیت نسبی	برتری هَماسنَجِي
comparative balance sheet		تراز آزمایشی هَماسنَجِي
comparative cost	مخارج نسبی	هزینه هَاهِي هَماسنَجِي
compartative method		روش هَماسنَجِي

comparator		همسنج
comparison		همسنجش
commodity	جنس - متعاع - مال التجاره	کالا
compatibility	توافق	سازگاری - سازش
compensation	غرامت	تاوان
competence	صلاحیت - اهلیت	شایستگی
competent	صالح - ذیصلاح	شایسته
competition	رقابت	همچشمی
compilation	تألیف	گردآوری
compiler	مؤلف	گردآور
complete	تکمیل	هنکرد
complex	مرکب - مجتمع	همتافت
complicate		پیچیده - بفرنج
compliment	تعريف کردن	خوشکویی
component	ترکیب کننده - جزء ترکیب دهنده	همنهند - هم نهند
component parts	قطعات تشکیل دهنده	تکه های هم نهند
composition	ترکیب	هم نهش
composant		هم نهاد
composed		هم نهاده
composer		هم نهنده
compound	ترکیب کردن	هم نشاخت - همبود
comprehend	درک کردن - شامل بودن	دربیافت - برگرفت
comprehensive	جامع	فراگیر - پراوند
comprehensive school		اموزشگاه چند رشته ای
compress	متراکم کردن	فشار
comprssed	متراکم	بر فشرده
compression		فشارش

compressor		دrafshārə
compromise	تراضی - مصالحه	sāzsh
compromising		sāzshgārī
compulsion	اجبار - اضطرار	nāgzi'r
compulsive		nāgzi'rānə
campus		pərdi'sə
computation	حساب - تخمین	rāyānsh
computation center		rāyānshgāh
computer	ماشین حساب الکترونی ماشین حساب خودکار	rāyānə
computer science		rāyānəshnāsī
computerist		rāyishgər
computerize		rāyish krdn
comrade	رفیق	yār - hmdm
concave	مقعر	kāw
concentration	تمرکز - غلظت	tāyish - hmbstə
concept	فکر - عقیده - مفهوم	friāyāft - anğār -
	تصورکلی	bərgrfət
conception		friāyāftgī - anğārash - bərggirə
conceptual		friāyāfti - anğārashi - bərgfrtni
conceptualism		friāyāftgərāyi
concern	واحد اقتصادی - شرکت	bn̄gāh
concession	امتیاز - اعطاء	wāgždārī
concessionaire	صاحب امتیاز	dārnndə wāgždārī
conciliation	مصالحه - تصفیه - توافق	āşti
	استمالت - عاقبت	
conclusion	نتیجه - خاتمه	pāyān - anğam

concieve		فرایافتن - انگاشتن
concomitancy	ملازمت	همبایی
concordance	فهرست - کشف الایات	واژه‌نما
concordant	موافق	هماهنگ
concrete	واقعی	ذاتی - ذاتی
condensation	انقباض - تکثیف	فسرده‌گی - چگالش
condensed		فسرده
condensy		فسرده‌گی
condenser		چگالنده
condensed balance sheet	تعادل ملحوظ	تراز فشرده
condition	شرط - حالت	همبایست - چگونگی
condominium	حکومت مشترک	چند فرمانی
conduct	انتقال	رسانش
conductive		رسانا
confederal		هماوسته
confederation		هماوست
conferment	اعطاء	بخشنی
conference		هموازی
confidence	اطمینان - اعتماد	استوانی
configuration	هیأت - شکل	همدیسه
configure		همدیسیدن
confirmation	تایید - تصدیق - ابرام	استوارکردن
	ثبتت - تسجیل	
conflict	تصادف - مغایرت	برخورد - کشاکش
	اختلاف	ناسازگاری
confluence	متلاعفی	همریز
confluence analysis	تحلیل متلاعفی	واکافت همریز

conform	مطابق - تطبیق	همریز - همساز
conformability		همساز شدنی
conformation	تطبیق - توافق	همسازی - هم ریختی
conformism		همسازگرایی
confuse	مغشوش شدن	درهم و برهم کردن
congestion	تراکم	انبوهی
congress		همایش
conjoint	تواماً - مشترکاً	همبسته
connected	متصل - مربوط	همبند
connector		همبستان
conscience	وجدان	یابش
consent	رضایت	خشنودی
consequence	نتیجه	پی آمد - برآمد
conservation	محافظت - حفظ منابع طبیعی ابقا	پایستگی - گیتادار
conservator	محافظه کار	پایستان
consistence	ثبات - استحکام - توافق	پایداری - استواری سازگاری
consolidate	تحکیم - ثبیت - ینک رقم کردن	سخت کردن - یکی کردن
consortium		مهنبازگان
constant	ثابت	پایا
constitution	تأسیس - قانون اساسی	نهاد - بنیادنامه - بنداد
construction	بنا	ساختمان
construction materials	مصالح ساختمانی	مایگان ساختمانی - سازاک ساختمانی
consultant	مشاور	رایزن

consultation	مشورت - مجلس مشورت (طبی)	هم پرسگی - هم پرسی
consulting fee	حق المشاوره	رایمزد
consumption	صرف	گسارش - کاررفت
consumptive	صرفی	گسارشی - کاررفتی
contact	ارتباط - تماس - اتصال	برخورد - همسایش
content	محتوی - مظروف - مضمون	درونه
contentive		درونه‌ای
contents note		یادداشت روزانه
conteur		شمارشگر
context	ترکیب	بافت
continent	اقلیم - قاره	خشکاد
continuation	ادامه - تعقیب	دبالة
continue	ادامه دادن - تعقیب کردن	پیوسته
continuity	استمرار - دوم	پیوستگی
continuous	مسلسل - تسلسل	پیوستار
contractor	مقاطعه کار	پیمانکار
contract	قرارداد - مقاطعه - عقد	پیمان
contract	منقبض کردن	تنجیدن
contrive		وانمایی
contrived scarcity		کمیابی و انmode
control	نظرات - فرمان - ممیزی	بازبینی - دستگذاری
controller	ممیز - ناظر	بازبین
convention	مجمع - موافقت عمومی	همايند - پیمان
	عرف وعادت - اجلاسیه	پیماننامه
conversation	مکالمه	گفتگو
conversion	تسعیر - تبدیل - قلب	واگردانی - همگردانی

convergence	تقارب	همگرایی
cook	طباخ	خوراک‌پز - آشپز - خوالیگر
cooperation	تعاون - تشریک مساعی	همیاری
cooperative	شرکت تعاوی	همیارگان
cooperative member	عضو شرکت تعاوی	همیار
cooperator		همیار
coordination	تطبيق - وحدت نسق	همرتگی - هم آرایی
coordinate	متناسب باهم - مختصه	هم آراست
coordination number		شمار هم آرایی
coordinator		هم آراستار
copious	مفصل - وسیع	فراوان
copy	نسخه	پچین
copy letter		نویسه پچین
copy right	حق چاپ - حق تأليف	راستاد پدیدآوری
	حق طبع و تولید	
copyist		پچینگر
corporeal	جسمانی	تنالگانی
corporation	صنف	رسته
correlation	تضایف	همبستگی
correspondence	تناظر - تطابق - مکاتبه	همنگری - همپاسخی
correspondent		همپاسخ - همنگر
corruption	فساد	تباهی
cost	خرج	هزینه
cost benefit		هزینه - هوده
cosmology		کیهان‌شناسی
council	شوری	هم رایه
counselling	مشورت	رأی زنی

counsellor	عضو شوری	رایزن
counter		شمارگر
counting	حساب	شمارش
counterbalance	وزنه تعادل - موازنہ	پارسنگ - نیروی برابر
couple	زوج	جفت
course	دورہ	آموزگان
covariance		هم وردانی
cover	جلد	پوشن
cover (to)	تامین کردن	دربرداشتن
creation	خلق - حدوث	آفرینش
creature	مخلوق	آفریده
creativity	خلاقیت	آفرینندگی
creative	خلاق	آفریننده
covenant	قرارداد - موافقت	پیمان نامہ
craftsman	صنعتگر	پیشه‌ور - افزارمند
credit	اعتبار	ارزه
credit sale		فروش پسادست
crime	جنایت	تبهکاری
criminology	جرائم‌شناسی	بزه‌شناسی
crisis	بحران	آشتفتگی
criteria	معیارها	سنجه‌ها - سنجگان
criterion	معیار - ملاک	سنجه
crop	محصول	فراورده
crowd	جماعت	انبوه
crude	ناخالص	خام
crystal		بلور
cube	کعب	تاس

cubic	مکعب	تاسی
cult		کیش
cultivation	زراعت	بزرگری
culture		فرهنگ
culture	زراعت	کشت
cultural lag	عقب ماندگی فرهنگی	واپس ماندگی فرهنگی
cultural level		تراز فرهنگی
cultural accumulation		انباستگی فرهنگی
cultural area		پهنه فرهنگی
cultural integration		یکپارچگی فرهنگی
cultural substitution		جانشین فرهنگی
cultural variation		گوناگونی فرهنگی
culturalogy		فرهنگ شناسی
cumulation	تجمع - جمع آوری	انباستگی
current	جاری - رایج	تَرَن - گردان
current account	حساب جاری	شمارگردان
current assets	دارایی جاری	دارایی گردان
current events	وقایع یومیه	رویدادهای روز
current money		پول دستگرد
currency		پول - پول گردان
curve	منحنی	خم
custom	رسم - عادت - عرف	راه و روش
custom	حقوق گمرکی	مرزگانی
cut off	مکث	ایست - بُرش
cybernetics		خود رایانی
cycle	دور	چرخه

# D

فارسی	عربی	انگلیسی
روزانه	يوميه	daily
شیربندی	لبنیات	dairy
زيان - تاوان	خسارت - ضرر - غرامت	damage
بند - بنداب	سد	dam
داده‌ها	اطلاعات - حقایق	data
بنه داده‌ها		data base
داده آمایی		data preparation
فراابری داده‌ها		data processing
سرگاه		date
سررسید		data due
دفتر روزانه	دفتر ثبت معاملات بر حسب تاریخ	day book
درچند میرش	نسبت متوفیات	death rate
داد و ستد	معامله	deal
بدهکار	مديون	debtor
بدهی - ستون بدهی		debit
وام	قرض	debt
ده دهی	اعشاری	decimal

decision	تصمیم	گزیرش
declaration	اعلامیه - بیانیه	اگهانه
decor		آذینه
decoration		آذینش - آذینگری
decorative		آذینی
decorator		آذینگر
decree	حکم - تصویب‌نامه	فرمانه
decrease	نقصان - کسر	کاهش
dedication	اهدا - تقدیم	پیشکش
deed	قباله - سند رسمی - فعل	بنچک - رفتار
deed of sale		بنچک فروش
deep	عمیق	ژرفنا
deepening of capital		درچند افزایی سرمایه
defect	عیب - نقص	ناکار - لغزه
defective	ناقص	ناکارا
defectiveness		ناکارایی
defectless		بی‌کاست
defence	دفاع	پدافند
deferred assets	دارایی معوق	دارایی پس‌آیند
deficiency	نکت - نقص - فقدان - عدم	ناکارایی
deficient		ناکارا
deficit	کسر	کمبود
definition	تعريف	شناسه
deflation	ضد تورم	پدآماس
deforestation		بیشه‌کنی
defraud	خدعه	کلامبرداری - فریب دادن
degree	درجه	زینه

degresion	نزول - نقصان	کاهش
degeneration	افساد	تباهش
degradation	خفت - تنزل - رتبه	فروپایگی
delay	تأخير - تعويق	دیرکرد
delegation	وکالت	نمایندگی
delicate	ظریف - لطیف	دلشیین
demand	تقاضا - مطالبه	خواهش - خواست
demand deposit	ودیعه جاری - ودیعه عندالمطالبه	سپرده بی زمان
demandant	متقاضی	خواستار
demarcate	تعیین حدود	نشان گذاردن
demography	علم جمعیت	مردمگان شناسی
demonstration	تظاهر	برنامایی
demonstrator	تظاهرکننده	برنومودگر
dense	غلیظ - متراکم	چگال
density	وزن مخصوص - تکاف	چگالی
democracy	حکومت قاطبنة مردم	مردم سالاری
denotation	تشخیص - تفکیک	بازنمودن
denumberable	قابل شمارش	شمارش پذیر
dependence	تابعیت	وابستگی
dependent	تابع	وابسته
depletion	تخلیه - نقصان	تهی سازی - کاهش
deposit	ودیعه	سپرده - تهنشست
depot	مخزن مهمات	انبارگاه
depreciation	استهلاک	کاهستگی - بهاكاهی
depreciated	مستهلك	کاهسته
depression	بحران - کساد	افسردگی - بازایستاد

depressoion, the great	بازایستاد بزرگ (۱۹۲۹-۱۹۳۵) بحران بزرگ	
depth	عمق	ژرفا
derivation	اشتقاق - مشتق‌گیری	جدامدگی
derivative	مشتق	جدامد
derive	مشتق کردن	جدامدن
derived		جدامد
derogation	تخلف از مقررات - تنزل شان یا قیمت	کاهش بها - زیان‌رسانی
descent	نزول - هبوط - نسل	فرود - تبار
descent	نسل - مقام اسفل	تبار فرودین
description	شرح - توصیف - تشریح - بیان	بازگزاری
desert	صحراء	بیابان
deserving	لائق	سزاوار
deservingness		سزاواری
design	طرح	فرانداز
designable	قابل طرح	فرانداختنی
designer	طرح	فراندازگر
despotism	استبداد - حکومت مطلقه	خودکامگی
desire	میل - شوق	آرزو
destiny	تقدیر - قسمت	سرنوشت
destruction	خرابی - اتلاف - تخریب	ویرانی
<b>despatch</b>	اعزام - ارسال	روانه کردن - گسیل داشتن
determinant	عامل تعیین کننده	جداگر
determine	تصمیم‌گرفتن	آهنگ کردن
determinism	وجوب ترتیب معلول بر علت فلسفه جبری - فلسفه تقدیری	با یاگرایی
determinist	جبری	با یاگرا

deterrent	دفع	بازدارنده
detiment	ضرر - خسارت	زيان
devaluation	تضعيف - تضعييف پولی	ارزش کاهی
development	توسعه	گسترش
developed country	مملکت توسعه یافته	کشور گستردہ
device	طرح - تدبیر	فرامار
diagram	طرح	نمودار
dialectic	جدل	همگیرش - همگرفت
dialectic	جدل - احتجاج - مناظره	درگیرش، همگیرش گفت و واگفت
dialectical materialism		ماده گرایی همگیرش
dialeticism	اصالت جدل	همگرفت گرایی
dialecticist	جدلی	همگرفت گرا
dialogue	مناظره	گفت و واگفت - گفت و شنود
diary	واقعی یومیه	یادداشت روزانه
dialyze	تجزیه	جدا کافت
dictator	امر مطلق	зор فرما
dictatorship	استبدادی	зор فرمانی
difference	فرق - تفاوت - اختلاف	جزانی - وابرد - ناسانی
	تفاضل - فصل	
differentiate		دگرگونی
different		جزان - ناسان
differentiation	تفکیک - تشخیص	جدا یاش
differential	تفاضلی - تشخیص دهنده	وابرد - جدا
	تغییرپذیر	
differential calculation	حساب فاضله	مارش وابردی
differential count		جدا شماری

diffraction	انکسار	پراش
diffusion	انتشار	نشت
digit	رقم	پیکر
digital	رقمی	پیکرشماری
digital computer		رایانه‌شماری
dimension	بعد	دورا
diminished	نازل	کاسته
diminishing	نزویلی	کاهنده
diminishing return	بازده نزویلی	بازده کاهنده
diminution	تحلیل - نقصان	کاهش
direct	مستقیم	راسته
direct prodution	تولید مستقیم	فراورشی راسته
direct taxation	مالیات مستقیم	باز راسته
direction	جهت - مسیر	راستا
directory		راهنمایی
disc	صفحه - دایره - قرص	گردک
disability	عدم صلاحیت - عجز	ناتوانی
disablement	سلب صلاحیت - عدم صلاحیت	ناتوانی - ازکارافتادگی
disadvantage	وضع نامساعد	زیان
disagreement	عدم موافقت - عدم توافق مخالفت - اختلاف	ناسازگاری
disaster	مصیبت - بلا	بدبختی
discharge	انفصال - مفاصا - تادیه	واهشتن
discharged		واهشته
disconnected	سوا - منفصل - بیربط	ناهموسته
discontinue	ادامه ندادن	ناپیوسته
discord	عدم توافق	ناسازی

discrimination	تشخیص - فرق - قوه تمییز	بازشناسی
discount	تخفیف - تنزیل	فروکاهی
disjunction	تنکیک - انفصال - قطع	گسته
dispersion	انتشار	پراکنش
displacement	تغییر مکان	جابجایی
display	تظاهر - جلوه	نمایاندن
dissolution	تجزیه - حل - فسخ - انحلال	واگشودن
dissolved		واگشوده
distal	دور از مرکز - دوراز مبداء	دورین
distance	مسافت - فاصله	دورا - دورش
discussion	بحث - مذاکره	گفتگو
disengaged	فارغ	بیکار
disguised unemployment		بیکاری پنهان
disharmonic	غیرموزنون	ناهمانگ
distinction	فرق - امتیاز - تشخیص	برجسته - بازشناسی
distinguish	تشخیص - تمیز	بازشناختن
distribution	توزيع	پخش
distributive		پخش پذیر
distribution of income	توزیع عایدی	پخش درآمد
district	ناحیه	بخش
divergence	تباعد	واگرایی
divergent	متباعد	واگرا
diversification	تغییر شکل - تنوع	گوناگونی
diversion	انحراف	واگردانی
diversity	تشتت - تکثر - تنوع	چندگونگی
divide	تقسیم	بخش کردن
division		بخش

divider	مقسم	بخشگر
dividend	نفع سهام	سود بهر
divine	الهی	خدایی
document	مدرک - سند	پشتار
dogma	حکم جزمنی - اصول دین قول مسلم	بن آموزه
dogmatism	جزمیت	بن آموزگانی
dogmatist	اصحاب جزم	بن آموزگان
domain	ملک - قلمرو - حوزه	میدانه
dominanc	تفوق - استیلا - تسلط	چیرگی
dominant	سلط	چیره
domestication		خانگی
donation	هدیه - هبه	دهش
donee	موهوب الیه	دهشگیر
double	مضاعف	دوین
double - entry	طریقه مترادف	دفترداری دوین
book - keeping	حسابداری دوبل	
doublet	قرینه	دوانه
doubtful account	مطالبات مشکوک الوصول	بستانکاریهای گمانیک
down payment	بیعانه	پیش پرداخت
draft	مسوده - حواله	پیش نویس - برات
drawee	محال علیه	براتگیر
drawer	محیل	براتکش
drive	سائق	رانش - رانه
dual	تشیه	دوگان
dualism	تشویت	دوگانه گرایی
dry goods	قماش - خرازی	خشکبار - کالاهای بافته

due bill	حواله واجب الادا	برات پرداختنی
due date	موعد تادیه	تاریخ سرسید
dumping	رقابت مکارانه	بازارشکنی
duopoly	انحصار دو جانبه	دوفروختاری
duplicate	المثنی	دوا نیدن - پیشداشت
duration	استمرار - مدت	دیرند
durable capital goods		کالاهای سرمایه‌ای دیرنده
duty	وظیفه	خوبیشکاری
dynamic	متحرک - قوه‌ای	توانمند - پویا
dynamics	مبحث حرکت اجسام - علم قوا	پویه‌شناسی
dynamism		پویایی - توانمندی
dynasty	سلسله - آل	دودمان

# E

انگلیسی	عربی	فارسی
east	شرق	خورایان
eastern hemisphere	نیمکره شرقی	نیمگوی خاوری
earmark	تخصیص	کنارگذاردن
earn	تحصیل - منفعت بردن	بدست آوردن
eco	محل - محیط اصلی	بومه
economic	اقتصاد	کدیوری
eco system		هنداد بوم‌شناسی
ecology		بومه‌شناسی
educated	تحصیل کرده - تربیت شده	فرهیخته
education	تعلیم و تربیت	فرهیزش
educator	مریبی	فرهیختار
effect	تأثیر	خلند - شوند
effective	موثر	کارا
efficiency	کفایت - لیاقت	کارایی
ego	نفس	من
egoism	انانیت	خودگرایی
elasticity	قوه ارجاع	واهنگی

elastic	قابل ارتجاع	واهنج
electric	برقی	رخشی
electrician	متخصص برق	رخشورز
electrification		رخشناس
element	عنصر	بن پار
elite	نخبه - ممتاز	سرامدان - گزینان
embargo	قدغن تجاری - توقیف کشتی دریندر	کالابندی - ناویندان
emergency	ضرورت - اضطرار	شتا به
emigration	مهاجرت	کوچ
empirical	تجربی	آروینی
empiricism	اصلت تجربه	آروین گرایی
employer		کارگمار
employment	استخدام - اشتغال	کارگماری
emporetic	تجاری	بازاری - بازرگانی
emporium	مرکز تجاری	جای بازرگانی - بازار بزرگ
empty	خالی	تهی
enclose	جوف - ضمیمه	پیوست
end	غایت	پایان
endless		بیکران
endogenous	باطنی النما	درون زا - ذاتی
endorse (to)	ظهورنویسی	پشت نویسی
endorser	ظهورنویس	پشت نویس
endorsement	ظهورنویسی	پشت نویسی
energy	قوه فعلیه	کوش - ورزه
engagement	شغل	کار
enhancement of price		گران کردن - افزایش بها
engine		میوانه

enterprise	مؤسسه - معاملات تجاری	بنگاه - کارساز
enterprising	صاحبکار اقتصادی	کارسازی
entrepreneur	متصدی	کارآفرین
enumerate	صورت دادن	برشمردن
environment	محیط	پراغیر
equality	تساوی	برابری
equation	معادله - موازنہ	همچندی - برابرش
equator	خط استوا	نیمان
equatorial	استوایی	نیماک
equilibrium	موازنہ - تعادل	ترازمندی
equip	تجهیز	همکوشان
equipment	تجهیزات - لوازم - اثاثه - اسباب	ساز و برگ
equipollent	متساوی القوه	همتاو
equipoise	متساوی الوزن	همسنگ
equivalence	معادل - تساوی در مقدار	همارزی
escape	فرار	گریز
essay	مقاله - لایحه	جستار
establishment	تأسیس - استقرار - تشکیل	براستاد - دستگاه
	- مؤسسه	
estate	ملک	دارایی
estimate	تخمین	برآورد کردن
erosion	تحلیل	فرسایش
error	اشتباه	لغزه
eternal	قدیم - ازلی	جاویدان
ethnos	قوم	تیره
evaluation	تقویم	ارزش یابی
event	واقعه - اتفاق - حادثه	رخداد - پیامد

everlasting	دایمی - طولانی	رویداد - همیشگی
eviction	خلع ید - استرداد - رفع تصرف	پس گرفتن
evolution	تکامل تدریجی - تطور - تحول	فراگشت
exact	کامل - صحیح - دقیق	مُكْ
examination	امتحان	آزمایه
examiner	ممتحن	آزماینده
example	مثال	نمونه - نمون
excavation	حفاری	کاوش - خاکبرداری
		زمین‌کنی
except	به استثنای - اعتراض	مگر - واخواهی
excess	اضافه	افزونه
exchange	معاوضه	داد و گرفت
	مبادله اسعار	داد و ستد ارز
excitation	تهییج - تحریک	برانگیزش
excitation	هیجان - تحریک	برانگیختگی
excitor	محرك	برانگیختار
exclude	مستثنی کردن	کنارگذاشتن
exclusive	مستثنی	کنارگذاشته
execution	اجرا	انجام دادن - روانش
executor	مجری	انجام‌گر - رواننده
exemption	معافیت	بخشودگی
exercise	تمرین	ورزش
existence	وجود	هستی
expansion	بسط - توسعه	گسترش
expectation	انتظار	چشم‌داشت
experience	تجربه	آزمایش
expenditure	خرج	هزینه

expert	متخصص	کارشناس
expertise		کارشناسی
expire	انقضا	سپری شدن
explain	توضیح دادن - تعبیر	بازنمودن
explanation	توضیح	بازنمود
explicit	صریح	آشکار
exploitation	انتفاع - استثمار	بهره برداری - بهره کشی
exponent	تفسیرکننده	نما
export	صدور	فرستادن
exports	صادرات	فرستاده ها - فرستاده
expression	اظهار - بیان	فرنمود
extension	امتداد - تمدید - بسط - توسعه	گسترش
extensive	واسیع - بسیط - ممتد	گسترده
extensive cultivation	زراعت وسیع	کشت گسترده
extract	عصاره - خلاصه	افشره - برهیخته -
	استخراج کردن	برهیختن
extradition	استرداد مجرمین	پس دادن بزهکاران

# F

انگلیسی	عربی	فارسی
fabricant		کروگر
fabrication		کروش
fact	امر مسلم - امر محقق - حقیقت - واقع	هستا
factor	عامل	سازه
factorage	حق العمل - حق العمل (کاری)	کارسازانه
factoring	عاملیت	کارسازی
factory		کارخانه
failed	غیر موفق	ناکامور
fair	بازار مکاره	نمایشگاه کالا
fair competition	رقابت منصفانه	همچشمی سرراست
family	عائله	خانواده
fantasy	قوه مخیله	خوش پنداری
farm	مزرعه	کشتزار
farmer	زارع	برزگر
farming	زراعت	بزرگری
fault	عیب - نقص	آک - نادرست
fauna	کلیه حیوانات یک اقلیم	زیوا پهنه

favorable balance of trade	موازنہ مساعد تجارتی موازنہ ثابت	تراز سازگار بازارگانی
fecundation	القاح - حاصل خیزی - حمل	گشتنگیری - زایندگی بارمندی
fee	واحد قیمت - اجرت - حق الزحمہ	دستمزد - پردازه
fee for service	حق الزحمہ	کارانہ
feed back	اخذ اطلاعات و مقایسه بالاستاندارد	بازخورد
feathure	طرح صورت	رخسارہ
fermentation	تخمیر	بوژش
fertile	حاصل خیز	بارخیز
fertility	حاصل خیزی	بارآوری
fertilization	القاح - حاصل خیزی	باروری
fertilize	لقادح کردن	بارور شدن
fertilizer	وسیله القاح	بارورساز - کود
feudalism	اصول ملوک الطوایفی	زمینداری
feudal	صاحب تیول	زمیندار
field	مزرعہ - حوزہ	کشتستان - میدان
figure	هیئت - صورت - شکل	پیکره
figurative	هنر تجسمی	هنرهاي پيکري
file	صورت	پرونده
file- keeper	ضباط	بایگان
file (to)	ضبط	بایگانی کردن
filling		بایگانی
fill	اشغال کردن	انبارش
final	نهایی - غایی	انجامی
finance	مالیہ	دارایی
fine	جریمه	تاوان

finished	جنس تکمیل شده	کالای ساخته شده
finite	متناهی - محدود	باکران
firm	مؤسسه انتفاعی - تجارتخانه	سراچه
fixation	ثبتیت	پایستاری
fixed	ثابت	پایسته
fixative	ثابت‌کننده	پایستار
fixed asset	دارایی ثابت	دارایی پایسته
flat	مسطح	هامون
flat	طبقه	شیان
flexible	قابل انحناء - قابل تطبیق قابل تغییر - قابل انعطاف	خمش‌پذیر - نمندہ - تافتا تاب‌پذیر
flight	فرار	گریز - جست
flight of capital		گریز سرمایه
float		شناور
flow	جریان	شار
flow chart	جدول مدارج عملیات	شارنما
fluid	سیال - مایع - متغیر	غلتور - آبگونه
fluidity	سیلان - میعان	روانی
follow - up	تعقیب	پیگیری
follower	تابع	پیرو
food	غذا - طعام	خوراک
force	قوه - قدرت	نیرو
forecast	حدس قبلی	پیش‌بینی
foreigner	اجنبی	بیگانه
foreign	ناشهروند - بیگانه - برون مرزی اجنبی - خارجی	ناشهروند - بیگانه - برون مرزی اجنبی - خارجی
form	شکل - ترکیب - وضع - ظاهر	سان
formal	رسمی - ظاهری - صوری	سایین

formalism	رعایت آداب (ظاهری) اساس صوری	سانگرایی
formalist		سانگرا
formality		سایینی
formalize		سایین کردن
formally		سانه
format	فرم اطلاعات	سانه (رایانه)
formation	تشکیل - احداث - تصویر - تشكل	سانش
formational		سانشی
formative		ساننده
formless		بی سان
formlessness		بی سانی
formula	قاعده	سانیز
formularization		سانیزی کردن
formulary		سانیز نامه
formulate		سانیزیدن
formulation		سانیزش
formule		سانیز
formulism		سانیزگرایی
fortune	مال	دارایی
forward	بطرف جلو	پیش - پیشی - پیشرس
fraction	قسمت	دسته - گروه
frame	تاب	چارچوب
franchise	امتیاز - حق مخصوص	ویژه بهر
fraud	سوء استفاده - تقلب	فریب - کلاهبرداری
free	مطلق - مستقل - مختار	آزاد
fright	حمل	بارکشی - کرایه
frequency	تکرار - کثرت و قوع - تواتر	بسامد

friction	اصطکاک	سایش
fringe benefit	عايدي فرعى - نفع تفاضلى	برافزود
	مزایای غير نقدی	
front	جبهه	پیشانه
frontier	سرحد	مرز - کران
frozen	منجمد - غيرقابل استفاده	خوابیده - ناگرد
	غيرقابل تبدیل - غيرقابل تغییر	
frozen assets	دارایی خوابیده - دارایی ناگرد دارایی غيرفعال	
fuel		سوخت
full employment	اشتغال كامل	همگانگماری
full time	تمام وقت	پیوسته کار - پیوسته کاری
function	تابع - خدمت -	پیرو - کنش - خویشکاری
	وظیفه - عمل - نقش	کردمان - فرنگار
functional		خویشکاری - کردمانی
functionalism		خویشکاریگرایی -
		کردمان گرایی
fundamental	اصلی - اساسی	بنیادی
fundamentalism		بنیادگرایی
fund	وجه	تنخواه
furniture	اثاثه	کاچال - کاچار
future	مستقبل	آینده

# G

انگلیسی	عربی	فارسی
gage	وثيقه	گرو
gain	منفعت - مزیت - حصول	سود - دستاورد - دستیابی
gain(to)		سود بردن
gain or loss		سود یا زیان
galloping inflation	تورم خیلی سریع - تورم چهارنعل	آماس تازنده
gallery	اطاق نقاشی	نگارخانه - سرسرا
gang	جماعت	دسته - سازواری
gap	فرق فاحش	شکافه
general	عمومی - کل	همگانی
general demand	تقاضای کل	خواست همگانی
general assembly	مجمع عمومی	گروهه همگانی
general will		خواست همگانی
general diretor	مدیرکل	کاربد
general accounting	حسابداری کل	مرگری همگانی
generation	نسل	زاگان
generator	مولد	زادگر

genetic	تکوینی	زانه‌ای - ژادیک
genetive		فرازا
gentelman agreement	موافقت شرافتمندانه	همسازی مردانه
geography		زمین‌نگاری - گیتاشناسی
gift	هدیه	دهش
goal	مقصد - هدف	کامه
good	مال - جنس	کالا
grade	درجه	پایه
grain	حب	دانه
graph	طرح - خطی	نمودار
graphic	طرحی - ترسیمی	نموداری
grant	عطای	بخشن
gratuitous	بلاعوض	رایگان
gravitation	جاذبه	گرانش
gross	غیرخالص	ناویژه
group	جمعیت - حزب - فرقه	گروه
growth	رشد	بالست
guild	صنف	رسته

# H

انگلیسی	عربی	فارسی
habit	عادت	خو - خوی
haggle	اصرار	چانه زدن
half	نصف - نصفه	نیم - نیمه
handicraft	صنعت یدی	دست کاری
handicraftsman	صنعتگر	دست کار
harmonic	موافق - متوازن	هماهنگ
havings	اموال	دارایی
hawker	طواف	دست فروش
heavy	ثقیل	سنگین
heat	حرارت	گرما
hedonism	مکتب رفاه طلبی - مکتب نفع شخصی	کامگرایی
height	ارتفاع	بلندای
heir	وارث - میراث بر	برماند بر
hereditable	قابل توارث	برماند بردنی
hereditament	میراث	برمانده
hereditary	موروثی	برمانشی
heredity	انتقال موروثی	برماندی

heritage	میراث - مال موروث	برماند
hereinafter	درستور بعد	پس از این
hereinbefore	قبلًاً	پیش از این
hereto	بهضمیمه - جوفاً	به پیوست
hereunder	ذیلاً - ذیل	در زیر
hidden asset	مال مخفی	دارایی نهفته
hierarchy	سلسله مراتب	پایه گان
high	مرتفع - عالی	بلند - بزر
hinterland		پس بوم
hire	اجاره	کرایه - مزد
hireling	اجیر	مزدور
historical method		روش تاریخی
historical materialism		ماده‌گرایی تاریخی
holding company	شرکت صاحب سهم	انباذه رای دار
homo		هم
homo sapiense	انسان عاقل	مردم بخرد - انسان باخرد
homo statua		هم ایستادی
homogeneous	متجانس	همگن
honest	امین - شرافتمند	درستکار
hong	تجارتخانه	بنگاه
horizontal	افقی	ترازین
hot money	پول فرار	پول داغ
hotel	مسافرخانه	مهمانخانه
hotel keeping	اداره مسافرخانه	مهمانخانه داری
house	منزل	خانه
house hold		خانه دار
humus	خاک دارنده مواد آلی	گیاخاک

hybrid	مختلف الجنس	دورگه
hybridation		دورگه سازی
hydrology	علم میاه	آبشناسی
hypothesis	فرض - فرضیه	برانگاشت
hypothecate	رهن	گروگذاشتن

# I

انگلیسی	عربی	فارسی
idea	تصور - عقیده	وینه
ideal	تصوری - کمال مطلوب	وینه‌ای - آرمانی
idealism	اصالت تصور	وینه‌گرایی - آرمان‌گرایی
idealist		وینه‌گرا - آرمانخواه
idealization		وینه‌گری
ideolog		وینه‌گر
ideology	طرز تفکر	وینه‌گان
identification	تطبیق - تعیین هویت	یکسان‌انگاری
identity	هویت - عینیت - شخصیت	چه بودش - یکی‌انگاری
identify		اینه‌مانی - یکی‌انگاشتن
idle	غیر فعال	اکار
idle balance	موجودی راکد	مانده اکار
idle cash	پول بلا استفاده	پول اکار
illicit	ممنوع - قاچاقی - غیر مشروع	ناروا
illusion	خيال	پنداشت
image	صورت - تصویر - تصور	انگاره
imaginary	موهوم	انگاری

imagination	تصور	انگارش
immediately	فوراً - بلا فاصله	بیدرنگ
immaturity	عدم رشد	ناپذام
imitation	تقلید	پیروش
impact	اصابت	برخورد
imperfect competition	رقابت ناقص	همچشمی ناهنگرد
imperialism	استعمار طلبی	جهانخواری
implication	دلالت - تضمن	همایی
implicit	ضممنی	همایند
imports	واردات	رسیده‌ها
impulse	قوه محرک آنی - تحریک	تکانه
improvement	اصلاح	بهبود
incentive	محرك	انگیزه
incidence of taxation	انتقال مالیات - انعکاس مالیات - تعلق واقعی مالیات	بارأفت بازانه
incident	واقعه - اتفاق	رویداد
inclination	انحراف - تمایل به	کژی
inclusive	شامل	دربرگیرنده
include	شامل بودن - متضمن بودن	دربرگرفتن
income	دخل - عایدی	درآمد
increment	ترقی - اضافه	وخش
incremental		وخشنا
incompatible	متناقض - نامتوافق	ناسازگار
inconsistency	عدم توافق	ناسازگار - ناجوری
increasing	صعودی	فرازی
increasing costs	مخارج صعودی	هزینه‌های فرازی
independence	استقلال	نابستگی

independent	مستقل	ناوابسته
indebted	مديون - مقروض - مرهون	بدهکار
indemnity	غرامت - معافيت	تاوان - بخشودگى
indent	تقاضاي رسمي	سفارش نامه
index	شاخص	نمایه
indicator	شاخص	شناسگر
indication	دلالت - اشعار - تعیین	فرانمود
indirect	غيرمستقیم	ناراسته
indirect production	تولید غيرمستقیم	فراورش ناراسته
indirect taxation	مالیات غيرمستقیم	بازانه ناراسته
individual	انفرادی	تکوندی
individualism	اصالت فرد	تکوندگرایی
indivisibility	عدم قابلیت تقسیم	بخش ناپذیری
induced	القایی	درهیخته
induced expansion	انبساط القایی	گسترش درهیخته
induction	استقراء	درهیختن
industry	صنعت	تخش - کرو
industrialization	صنعتی شدن	تخشناسن
industrial		تخشدار
industreialist	اهل صنعت	تخشگرا - کروورز
inefficiency	عدم کفايت	ناکارایی
inefficient		ناکارا
inferior good	جنس غیرمرغوب	کالای پست
inflation	تورم	آماس
inflated	متورم	آماسیده
inflationary	تورمی	آماسی
inflationary gap	فاصله تورمی - تفاوت تورمی	شکافه آماسی

inflationism		آماش گرایی
inflationist		آماسگرا
influence	تأثیر	خَلَد
information	اطلاع	ویدش
informatic		خودآوید
informatics		خودآویدگان
information science		دانش ویدانی
information system		هنداد ویدانی
infringement	تقلید و تجاوز	دغل سازی
inhibition	نهی، منع	بازدارش
inhibitor	ناهی	بازدارنده
initial	درابتدا	درآغاز
initial reserve	ذخیره اولیه	اندوخته آغازین
initiative	ابتكار	پیشگامی
injection	ترزیق	درریزش
injection of money	ترزیق پولی	درریزش پولی
injustice	بی عدالتی	آداد
inland	محدود بداخل مملکت	درونبو
inland trade	تجارت داخلی	بازرگانی درونبو
innovation	ابداع - ابتکار	نوآوری
innovator	مبتكر - مبدع	نوآور
inproper	غیر خالص	ناویژه
input	وارده	داده
inputs	منابع	داده ها
inseparable	غيرقابل تفکیک	جدایی ناپذیر
inseparable cost	خرج غيرقابل تفکیک	هزینه جدایی ناپذیر
insolvency	اعسار	درماندگی

insolvent	معسر	درمانده
inspect	تفتيش	بازرسى
inspector	مفتتش	بازرس
instability	عدم استحکام - تزلزل عدم ثبات	نااستواری - سستی
installation	استقرار	همنشاخت
installment (instalment)	قسطی - قسط	بخشانه
installment loan	قرض اقساطی	وام بخشانه
institue	تأسیس - اصول و مبادی	نهادش - نهاد
institution	موسسه - تأسیس	نهاد - نهادش
institutionalism	نظریه اصلاح مؤسساتی	نهادگرایی
instruction	امر - تعلیم	دستوره - آموزش
instructional	تعلیمی	آموزشی
instructive		آموزنده
instructively		آموزانه
instrucness		آموزش پذیری
instrument	وسیله	ابزار - افزار
instrumental	آلی	افرازگانی
insuffiecient	غیرکافی	کم
insurance		بیمه
insure (to)		بیمه کردن
insured		بیمه گذار
insured value		ارزش بیمه
insurer		بیمه گر
intangible	غیرعینی	نادیدنی - ناپسودنی
intangible asset	مال غیرعینی	دارایی نادیدنی
intangible value	قيمت غيرملموس	ارزش ناپسودنی

integration	توحید - تمامیت - تراکم	یکپارچگی
intellect	عقل - فکر	هوش
intellection	تعقل	هوش ورزی
intellective		هوشی
intellectively		هوشانه
intellectual		هشیار
intellectualism		هوش‌گرایی
intellectualistic		هوش‌گرایانه
intelligence		هوشمندی
intelligent		هوشمند
intelligence	شاخص هوشی - خارج	بهره‌هوشی
quotient	قسمت هوشی	
intensive	متمرکز	فسرده
intensive cultivation	زراعت متمرکز - زراعت عمقی	کشاورزی فشرده
interchange	مبادله - معاوضه - ردوبدل	داد و ستد
interaction	عمل متقابل	اندرکنش
interdependence	رابطه متقابل	وابستگی به هم
interdependence markets		بازارهای وابسته به هم
intermediate	واسطه	میانجی
internal	داخلی	دروندی
interest	ربح	بهره
interpolation	تقریب	دروندی
international	بین المللی	میان کشورانی
internations		میان کشوران
interval	فاصله - مدت - فرجه	دورش
interference	مداخله	میان ور - اندرشد

intervention	مدخله	دست اندازی
interview	مذاکره - مصاحبه	فرا پرسی
intuition	درک مستقیم - شهود	درون بینی
invalid	باطل - غیر معتبر	ناارز - نا استوار
invariable	غیر متغیر	ناوردا
inventory	صورت موجودی	سیاهه برداری
inverse	معکوس	وازون - وارونه
investment		سرمایه گذاری
investigation	تحقیق	بررسی
investor		سرمایه گذار
invisible	غیر مرئی	نادیدنی
invoice	صورت حساب - سند خرج	بیجک - سیاهه
iron smelting	ذوب آهن	گداز آهن
irrational	غیر معقول	بی خردی
irredeemable	غیر قابل ابیاع	باز خریدنشدنی
irregularity	عدم نظم	آشتفتگی - نابسامانی
irrevocable	غیر قابل فسخ	بی برگشت
irrevocable credit	اعتبار غیر قابل فسخ	ارزه بی برگشت
irrigation	مشروب کردن	آبیاری
isolation	جدایش - جدامانی - جداسازی انزال - انزوا	
isolated	منعزل	جدا - تنها - تک
issue	نشر	شمارگان
item	فقره - قلم - جزء	پیکر

# J

انگلیسی	عربی	فارسی
job	شغل	کار
jobber	مقاطه کار - دلال - دلال سهام	میانگیر - بنکدار
joint	غیرقابل تقسیم - متصل -	بند - پیوسته
	مشترک - مشاع	
joint agreement	موافقنامه مشترک	همسازی دوسویه
journey	سفر	سپار
journal		روزنامه
journal - book		دفتر روزنامه
journal voucher	سنده حسابداری - سنده روزنامه	برگه روزنامه
journalize (to)	ثبت در روزنامه	دفتر روزنامه نگاهداشت
judge	قاضی	دادرس
judgment	قضاؤت	دادرسی
jury	هیئت منصفه	داورگان
just	بعینه - عیناً	درست
justification	توجیه - تصدیق	درست نمایی
juice - entraction	عصیر	افشره
jump	ترقبی دفعه (دربورس)	جهش
jumble shop	سمساری جزیی	دکان خردوریز فروشی

# K

انگلیسی	عربی	فارسی
keen	شدید	تیز - تند
keen rival	رقایت شدید	همچشمی تند
keep (to)	محافظت - مراقبت	نگاهداری
key		کلید - بنیادی <sup>۱</sup>
key industry	صنعت اساسی	تخشایی بنیادی
kingdom	سلطنت	شهریاری
knowledge	معرفت	دانسته - دانستگی
known	معروف - معلوم	شناخته - دانسته

۱. بکاربردن واژه «کلید» در نوشهای هایی چون: «پستهای کلیدی» «کارهای کلیدی» نادرست است و می باید بجای کلید معنی دیگر key را که بنیادی است بکاربرد: کارهای بنیادی و ...

# L

انگلیسی	عربی	فارسی
label	ورقه مشخصات - کنیه	برچسب
labour	زحمت - عمله	کار - کارگر
labour intensive		کاربر
labourer	عمله	کارگر
lack	فقدان - نقصان	نبوذ - نایابی
lading	محموله - عمل بارگردان	بارگیری - بارکشی
lag	تأخیر - عقب افتادگی	پس افت - پس مانی
laissez faire laissez	آزادی اقتصادی -	آزادی کار و
passer	آزادی کسب	سوداگری
lassez faire		آزادگذاری
land		زمین
land reform	اصلاحات ارضی	بهارایی زمینداری
land hunger	حرص ملاکی	زمین خواری
land tenure	مالکیت ارضی	زمین داری
land use		کاربست زمین
land - owner	مالک	زمیندار
language	کلام	زبان

lapse	انقضاء	سپری شدن
larceny	سرقت	دزدی
large	حجیم	بزرگ
large scale production		فراورش انبوه
latitude	عرض جغرافیایی	پهناو
law	قانون - حقوق	بنداد - نهادمان
law merchant	حقوق تجارت	بنداد بازرگانی
lay	قراردادن	گذاشتن - نهادن
lay up	ذخیره کردن	اندوختن - پسانداز کردن
lead	سبقت	پیش افت
leader	هادی	رهبر
leads and lags		پیش افتها و پسانفتها
league of nations	جامعه ملل	انجمان جهانی کشورها
leakage	نشر	نشت
learn	تعلیم	فراگیری - یادگیری
learned	فاضل - متبحر	یادگرفته
learnt		یادگرفته
lease	اجاره	کرایه
least	اقل	کوچکترین
legacy	مال موصی به - میراث - ترک	مرده ریگ
legend		داستان - افسانه پهلوانی
legion		سپاه
leisure	فراغت	آسایش - کارهشت
lend	قرض دادن	وام دادن
lesson		آموزه - درس <sup>۱</sup>

۱. واژه «درس» فارسی و ریشه آن واژه «درِس» اوستایی به معنی دیدن و دریافت است.

letter	مکتوب	نویسه
letter of acceptance	ورقه قبولی	نویسه‌پذیرش
letter of credit	ورقه اعتبار	ارزه‌نامه
level	سطح	تراز - ترازه
levy	وضع مالیات	بستن بازاره - بازاره‌بندی
liabilities	دیون	بدهی‌ها
liable	مديون	بدهکار
liberalism		آزادی‌گرایی - آزادی خواهی
liberalist		آزادی‌گرا
liberated		آزاد شده
liberation		آزادی‌بخشی
liberation	ابراء - ادائی دین	پرداخت بدهی
license	جواز - اجازه	پروانه
licence		دانشنامه
licence		دانشیاب
life	حیات	زندگی
life expectation	متوسط عمر	امید زندگی
life process	جريان حیات	فراشد زندگی
light	نور	شید
light area		روشنگاه
light	مختصر - جزء - ضعیف	سبک
light money	پول ضعیف	پول سبک
limit	حد - حصر	مرز - کران - ویمند
limitation	تحدید - محدودیت - تقید	ویمندش
limited	محدود - مقید	ویمندار
line	خط	کشه
liquid	نقدینه - مایع	پول گرد - پول شو -

		پول شدنی - آبگونه
liquidation	واریز بدھی	- پرداخت بدھی تفریغ - تصفیہ
list	صورت	سیاھہ - ریز
lithosphere		خاک اسپھر
living cost		هزینہ زندگی
load		بار کردن
loan	قرض	وام
loan at call	قرض عندالمطالبه	وام دیداری
loan translation		گردانش وامی
local	محل	جای - جایگان - جاگین
logic	منطق	چم آوری
logician	منطقی	چم آور
long	طولانی	دراز
loose cash		پول خرد
loose goods		کالاهای خردوریز
loss	اتلاف - ضرر	گمگشت - زیان
loss and gain		زیان و سود
lot	مقدار - قطعہ	لَت
lottery	قرعہ کشی	پشک انداختن - بخت آزمایی
lower	اخس - ادنی - اسفل	زیرین
loyalty	صداقت - وفاداری	پیمانداری - پیمانیابی
lull	مکث	فروکش - فرونشستن
luxury	تجملی	زیوری
luxury spending	مخارج تجملی	هزینه‌های زیوری

# M

انگلیسی	عربی	فارسی
machine		میوانه
macro	کلی	کلان
made to order		ساخت سفارشی
magnitude	قدر	مهی - مهینی - مهش
mail	پست	پیک
mail - order sales		فروش‌های پیکی
mail transfer	انتقال پسی	ترابرد پیکی
main	عمده - اصلی - مهم	مهست - بنین - سرین
mainland	قطعه اصلی	مه بوم
major	کبیر - اعظم - اصلی	بزرگ - بنین
make		ساختن - درست کردن
makeweight		پارسنگ
management	مدیریت اداره	کارفرمانی
manager	مدیر	کارفرمان
maladjustment	عدم تطبیق	ناسازی
manifest	صورت‌بار - واضح - شرح محموله معلوم - اظهارنامه - معلوم‌کردن	بارنما - آشکار برنما

manifestation	ظهور - تجلی - تظاهر - بیانیه	آشکاری - نمود
manifesto	بیانیه	فرنماهی
manual labour	عملی - یدی	کاردستی
manual work		کاردستی
manufacture (to)	تولید	ساختن
manufacturer	مولد	سازنده
manure		کود
map		نقشه - نگاره
mapping		برنگار
marginal	نهایی	مرزالی
marginalism		مرزال گرایی
marginal cost of production		هزینه مرزالی فراورش
marginal efficiency of capital		کارایی مرزالی سرمایه
mark	علامت	دخش - انگ - نشان
market	محل معاملات	بازار
market value		ارزش بازار
marketing		بازاریابی - بازارش
mass	عامه	توده - ماس
mass production	تولید کثیر	فراورش انبوه
mass media	وسائل اط عمومی	رسانه‌های همگانی
mass consumption	مصرف کثیر	پرگساری
massivity		ماش
masses		توده‌ها
match	نظریه	مانند
matched samples		نمونه‌های همانند
material	مصالح - مواد	مایگان

materialism	اصالت ماده	ماده گرایی
matter		ماده
maturation	بلوغ	پزامش
mature	بالغ	پزام
matured		پزامیده
maturity		پزامی - سرسید
maturity date		تاریخ سرسید
maximum	حداکثر	بیشینه
maximum efficiency		کارایی بیشینه
maximization	به حداکثر ساندن	بیشینه سازی
maximal	وابسته به حداکثر	بیشاد
mean	متوسط - معدل	میانگین
mean reserve	ذخیره متوسط	اندوخته میانگین
means	وسایل	چار - چاره
means of production	وسایل تولید	چاره‌ای فراورش
measure	مقیاس	اندازه
measurement	مقدار	اندازه‌گیری
measurement goods		کالاهای اندازه‌گیری
mechanics	علم جراثمال	ابزارشناسی
mechanism		سازوکار
mechanized		میوندی
mechanized farming		برزگری میوندی
med	متوسط	میانه
media	واسطه	رسانه
mediant	متوسط	میانین
mediation	وساطت	میانجی‌گری
medium	واسطه - وسیله	میده

medium of exchange	وسیله مبادله	میده داد و ستد
meeting	مجمع - جلسه	گردآیش
megalopolis		کلان شهر
member	عضو	هموند
member of staff		کارمند
membership	عضویت	هموندی
memorandum	مراسله غیررسمی	یادداشت
memorial	تذکره	یادگار
memory	حافظه - ذاکره - خاطره	ویر - یادگاه
mental	نفسانی - ذهنی	مینشی
mental activity	فعالیت ذهنی - نفسانی	کوشمان مینشی
mental capacity	ظرفیت ذهنی	گنجایش مینشی
mental defect	عیب، نقص ذهنی	ناکاره مینش
mental deficiency	عیب، نقص ذهنی	ناکارایی مینش
mentalism	اصالت ذهن	مینشگرایی
mentalist		مینشگرا
menu	صورت غذا	ریزخوراک
mercantile	تجاری	بازرگانی
mercantile marine	بحریه تجاری	ناوگان بازرگانی
mercantilism		دبستان سوداگرایی
mercantilist		سوداگرا
merchandise	مال التجارة - موجودی جنسی	کالا
merchant	تاجر	بازرگان - سوداگر
merit	لیاقت	شایستگی
meta	ماوراء	مدا (دوازهه مدهوش - مدهوش)
metal	فلز	آین - کانین

method	طريقه	روش
metaphysics	ماوراءالطبيعه - علم ماورائي طبيعت - فلسفه اولى	دانش برين
metropole		آبركشور
metropolis		مهشهر
metropolitan area		شارستان
micro economics	اقتصاد جزئي - اقتصاد ذره‌اي	کديوري خرد
micro wave		ورميه (ورمه = موج)
middle	متوسط	ميان - ميانين
middle price	قيمت متوسط	بهای ميانين
migration	مهاجرت	کوج
migratory worker	عملة مهاجر	کارگر کوچنده
militarism		ارتش فرمانی
mill		کارخانه
mind	خاطر، فكر، ذهن، نفس	مينش
mind		مينشي
mindful		پرمينش
mindfully		پرمينشي
mineral	معدني	کاني
mineral deposit		نهشت کاني
mineral extraction	استخراج معدن	کانه بر هيختن
mineralogy	معدن‌شناسی	کاني‌شناسي
minimum	حداقل	كمينه
minimal	حداقل	كمين
minimization		كمينه‌سازی
minimum price	حداقل قيمت	كمين بها

minister		وزیر
ministry		وزیرگانی
ministry of foreign affairs		وزارت برون مرسی
minor	صغری - صغیر	کمینه
mint	ضرابخانه	برکوب سرا
mintage	حق الضرب	برکوبانه
mission	رسالت	گمارش
minus	منهای	کم
minute book		دفتر رونوشت
misperception		دژ دریافت
miscalculate	سوء احتساب	دژ مارش
mix	اختلاط	آمیزش
mixer		آمیختار
mixture	مخلوط	آمیزه
mixed economy	اقتصاد مختلط	کدیوری آمیخته
mobility	تحرک	میوانی
mobile	متحرک	میوا
mobilization		میواگری
mobility of capital		میوانی سرمایه
mobilizer		میواگر
model		الگو
moderate	معتدل	میانه
moderation		میانه روی
moderate price	قیمت معتدل	بهای میانه
modern	جدید	نوین
modernism	تجدد	نوگرایی
modernist	متجدد	نوگرا

modernity	جدیدی	نویینی
modernization		نوگردانی
modernize		نوین کردن
modification	تغییر - اصلاح تصرف، تغییر شکل	دگر亨جیدن
modifier		دگر亨ج
module	مقیاس - میزان	پیمون
modulaur	معیار	پیمونه
modus operandi	نحوه عمل	شیوه کار
moiety	نصفه	نیمه
moist	مرطوب	نمور
moisture	رطوبت	نموری
money	وجه	پول
monetary base	اساس پولی	پایه پولی
money active	پول فعال	پول درگردش
money value		ارزش پولی
money wage		مزد پولی
mondial	دنیایی	جهانی
money in circulation		پول درگردش
monetary unit	واحد پولی	ایوه پول
mono		تک - یک
monism	اصالت وحدت - توحید	یگانه گرایی
mosist	موحد	یک انگار
monopolism	انحصار طلبی	تک فروختاری
monopolist	انحصار طلب	تک فروختار
monopolistic	انحصار گرانه	تک فروختاری

monopolistically	تک فروختارانه
monopolization	تک فروختارش
monopolize	تک فروختاری کردن
monosony	انحصار خرید
monosonist	انحصارگر خرید
monotone	یکنواخت
month order	سفارش ماهانه
monograph	شرح مفصل از یک موضوع
montage	سوارکردن
monument	یادمان
moratorium	درنگ جستن - زمان خواستن
morphology	ریختشناسی
morphology economic	ریختشناسی کدیوری
mortality	میرایی
mortal	میرا
mortality rate	نرخ مرگ و میر
motel	مانسرا
mother city	مادرشهر
mortgage	گروی
mortgagee	گروگیرنده
mortgagor	گرو دهنده
most favoured	دوست ترین
motivation	انگیزش
motion	میوش
motive	انگیزه
movement	میوش - جنبش
movability	میوانی

mover	محرك	میواننده
multi	متعدد	بیش، چند، پر
multilateralism	اصل چندجانبگی	چند سویگی
multilateral	چند جانبی	چند سویه
multiplier	ضریب تکاثر	بس شمار
multiply	تکثیر کردن	تاییدن
multivalence	چند قدری	چند ارزی
multivalent	دارای چندین قدر	چند ارز
mutation	تحول	جهش

# N

انگلیسی	عربی	فارسی
nationalism	اصالت ملت	زادگان‌گرایی
nation	ملت	زادگان
name	اسم	نام
nature	طبیعت - طبع - فطرت	بنزاد - سرشت - گوهر زادمان
naturalism	اصالت طبیعت	بنزادگرایی
native	اهل یک محل	زاده
navigation	بحرپیمایی	کشتیرانی - دریانوردی
navigation permit		پروانه کشتیرانی
necessary	ضروری - واجب - لازم	بایسته
necessity	ضرورت - وجوب - لوازم	بایش
need	احتیاج	نیاز
negative	نفی، سلب	کماد
negative asset	دارایی منفی	بدھی
neighborhood	مجاہورت	همسایگی
net	حالص	ویژه
network	شبکه	تنسته
neutral	خنثی - بیطرف	نتار

neutralism		نثارگرایی
neutrality		نثاری
neutralization		نثارش
neutralize		نثاریدن
nerve	عصب	پی
neoclassical school		دبستان پیشگام نو
next	بعدی	پسین
nobility	اشرافیت	والاتباری - بزرگ زادگی
nomadism	بدویت	بیابانگردی - کوچ نشینی، چادرنشینی
nominal	اسمی	نامی
nominal value	مبلغ اسمی	ارزش نامی
nomination	تسمیه	نام نهی
nominee	منصوب - ذینفع	نامزد - برگزین
nominalism	مکتب اصالت وجود اسمی - طرفداران فلسفه صوری	نام گرامی
non	عدم - غیر	نا - نه
non acceptance	نکول، عدم قبولی	نپذیرفتن
non allied	غیر متعهد	ناهموست
non conformity	عدم مطابقت - عدم تشابه	ناهمگونی
nonrm	اصل - قاعده - معیار	هنجار
normal	عادی - طبیعی - معمولی	بهنجار
normal current	جريان عادی و معمولی	تَرَنْ بهنجار
normal value	قیمت متعارف	ارزش بهنجار
normal profit	نفع عادی	سود بهنجار
normative	اصولی - معیاری	هنجاري
normality	عادی	هنجاري

normalization		هنچارش
normalize	بصورت عادی درآوردن	بهنچارکردن - بهنچاردن
normalized		هنچارده
normalless		بی هنچار
north	شمال	اپاختر
note	سنند - قبض	دشه
nucleur		هسته‌ای
nuecleus		هسته
number	عدد - تعداد - اعداد	شماره - مر
nutrition	تغذیه	خوالیدن
nutritive	غذائیت‌دار - غذایی - قوت	خوالشی - خوالشور
nutritiousness	خاصیت غذایی - مغذی بودن	خوالایی
nutritiously	بطور مغذی	خوانانه
nutritious	غذائیت‌دار - مغذی	خوا
nuisance	اذیت	آزار
nuisance	مالیات تحمیل شده بر مصرف کننده tax	باژانه آزاری
null	ملغی، باطل	پوج، بی‌بها

# O

انگلیسی	عربی	فارسی
object	شی - عین - موضوع	چیز - برنمود - برنهاده
objective	عینی - حقیقی - واقعی	برنمودی - بیرونی
objective value	قیمت عینی	ارزش برنمودی
observation	مشاهده - معاينه	نگرش
observer	مشاهده کننده - رصد	نگرنده
obsolescence	فترتویی - متروکی - منسوخی	فرسودگی
occasional	اتفاقی	گهگاهی
occupation	شغل - حرفه	کاروری - درکاری
occupied		درکار
occurrence	حادثه	رخداد
ocean		پهناپ - مه دریا
odd lot	معاملات جزیی	بازرگانی خرده
offer	عرضه	پیشنهاد
offeree		پیشنهاد گیرنده
office	محل خدمت	کارکده
official	مأمور	پایور
officer check		چک بانکی

oil		نفت
oil products		فراورده‌های نفتی
old	مسن - قدیمی	پیر
old - age pension		بازنشستگی پیری
oligopoly	انحصار چند قطبی - چند قطبی	چند فروختاری
oligopsony	انحصار چند قطبی خرید	چند خریداری
operation	عمل	کاربست
operational	عملی	کاربستی
operational research	تحقیق عملیاتی	پژوهش کاربستی
opinion	عقیده - نظر	آور
opinion research	تحقیق نظرها	پژوهش آورها
opportunity	فرصت - مجال	هنگام شناسی - هنگام جویی
opportunist	ابن وقت - استفاده کن از موقع - مصلحت بین	هنگام جو - هنگام شناس
opportunity cost	خارج فرصت - خرج حداقل	هزینه فرآخور - هزینه سود نابرده
	خارج موفقیت - نعم البدل - عدم النفع	هنگام شناسی سرمایه‌گذاری
opportunity to invest	موفقیت سرمایه‌گذاری	هنگام جویی سرمایه‌گذاری
opposition	ضدیت - مخالفت - تضاد	پادیاری
opposing		پدیارش - پادیارش
opposite	ضد - متقابل - مخالف	پادیار - پادیار
optimal		بهین
optimist		خوش‌بین
optimism	تمایل به حسن تعبیر و قایع	خوش‌بینی - آیین خوش‌بینی
optimization		بهینه‌سازی
optimize		بهینه‌ساختن
optimum	حد مناسب - مطلوب - حد مطلوب - وضع مناسب	بهینه

optimum population	جمعیت مناسب	مردمگان بهینه
option	حق انتخاب اختیاری - شق اختیاری	دل بخواهی
optional		دل بخواهی
option money	پول اختیاری	پول دل بخواه
optional date	تاریخ اختیاری	تاریخ دل بخواه
opulence	تمول - وفور	توانگری - فراوانی
opulent	متمول - وافر	توانگر - فراوان
order	نظم - ترتیب - حواله	رایش - فرمایش - سفارش
order book		دفتر سفارش
ordered		رایشمند
ore	سنگ معدن	سنگ کان
ore - buying		خرید سنگ کان
ore extracting	استخراج سنگ معدن	برهیختن سنگ کان
organ	عضو - آلت	اندام
organization	تشکیلات - ترکیب - تنظیم	سازمان
organization of the	سازمان ملل متحد	سازمان کشورهای همبسته
united nations		سازمان کشورهای ایوند
organization balance	موازنہ تشکیلاتی	تراز سازمانی
organism	جسم آلی	اندامگان
organic	آلی	اندامی
orientation	تعیین موقعیت - توجه به وضعیت	سوگیری - راهنمایی
origin	مباده - منشاء	خاستگاه - فرگان
	منبع - موجب	نوآورده - نوآور
original cost	مخارج اولیه	هزینه‌های نوآورده
original goods	اجناس اصلی و طبیعی	کالاهای فرگانی
orginal	اصلی	خاستگاهی - فرگانی
original element	عنصر اصلی - اسطقس	بن پار خاستگاهی

ornament	زینت	زیور - پیرایه
orthodoxy	اعتقاد راسخ	سختکیش - کهن کیش
orthodox school	مکتب راسخین	دبستان سختکیشان
		دبستان کهن کیشان
orthogonal	متعامد	راست کنج
orthogonal curve	منحنی های متعامد	خمهای راست کنج
orthogonal surface	سطوح متعامد	رویه های راست کنج
oscillation	نوسان - حرکت نوسانی	نوش
oscillator		نوونده
oscillate	نوسان کردن	نویدن
other	غیر	دگر
other deposits	سایر و دایع	دیگر سپرده ها
outlet	مخرج - مفر	گریزه - بازار فروش
outcome	حاصل - محصول	برآمد
out of proportion		ناباندام
out of scale		بی برستج
outlier	قسمت مجرزا	برونماند
output	مقدار تولید - تولید	ستده - برونداد
outside	خارجی	بیرونی
outshine	تحت الشعاع قراردادن	پیشی گرفتن از
outsell		بهتر یا بیشتر فروختن
outstanding	معوق	پس افتاده
outward	خارجی - ظاهری	بیرونی - نمایان
over	فوق	بالای - روی
over and short		کم و بیش
overdeveloped	توسعه و عمران زیادی یافتن	فزون پرورد
overemployment		بیش کاری

overhead expenses	مخارج عمومی	هزینه‌های همگانی
overflow	طغیان	سررفتگی - سرریزی
overload	بار اضافی	بیشینه بار
overconsumption	صرف اضافی	بیش گساری
overhead		برسری
overhead cost		هزینه برسری
overseas	ماوراء بحار	ترادریاها
overseas investment		سرمایه‌گذاری در ترادریاها
owner	صاحب - مالک	دارنده
ownership	مالکیت	دارندگی

# P

انگلیسی	عربی	فارسی
package	جعبه - عدل	بسته
package benefit		برافزوده‌های دربست
pacifism	صلح طلبی	آشتی جویی
pacifist	صلح طلب	آشتی جو
paid	نقد - نقد شده	پرداخت شده
paid up value		ارزش پرداخت شده
pact	عهد	پیمان
painting	نقاشی	نگارگری
paleo...		دیرینه
paleontology		دیرینه‌شناسی
panel	عده منتخب برای مباحثه یا شرکت در مسابقه - صورت اعضای هیئت منصفه	دادپژوهان
panel discussion		دادپژوهی
paper money		پول کاغذی
panic	وحشت - بحران	هراس
paper	لایحه - مقاله	پژوهشنامه - جستار
paper value	قیمت رسمی	ارزش برونوشه

par	تعادل	برابری
par of exchange		نرخ برابری ارز
parallel	متوازی	همرو
parallel standards	معیارهای متوازی - سیستم پولی دو فلزی متوازی	سنجه های همو
parameter	مقدار معلوم غیر مشخص	برسنج
parenthesis		کمانک
park		گلشن
parking		مانندگاه
park - way		باغراه
parcel	امانت	دسته - بسته
parcel post	امانت پستی	بسته پیکی
parcel of bills		دسته برات
parent company	شرکت اصلی	انباذه مادر
parity	مساوات - مشابهت - قیاس	برابری
part	قسمت - جزء - سهم - حصه	پاره
part time	غیر تمام وقت	برخه کار
part time worker	عمله نصفه وقت	کارگر برخه دار
partial	جزئی - مختصر	برخانی - برخگی
participation	شرکت - مشارکت	انباذی
participation loan	قرض مشارکتی	وام انباذی
particle	ذره	خردیزه
partition	إفراز	بخشانه - پاریزش
partitioning		بخش کاری
partner	شريك	همبهر
partner nominal	شريك اسمى	همبهرنامي
partnership	مشاركت - شراكت	همبهري

pass	عبور کردن	گذراندن - پذیرفته شدن
passage		بازارچه - تیمچه - گذره
party	حزب	گروه - سور
patent	حق انحصار اختراع	پروانه
	حق ثبت اختراع	
particular	مختص - علیحده - جزیی خاص - مخصوص	ایوازی
particularity	اختصاص	ایوازگی
particularization	تفصیل	ایوازش
patriarchy	ریاست شیخ طایفه	پدرسالاری
patrilineal		پدر دودمانی
passive	انفعالی - منفعل - غیرفعال	پذیرا
pattern		گرته - گرده
pattern maitenance		نگهداری گرده
pawn	رهن - وثیقه	گرو
pawn bank	بانک رهنی	بانک کارگشا بی
pawnee	مرتنهن	وام ده
pawner	راهن	گرو گذار
pawn shop	مؤسسه استقراضی	بنگاه گروستانی
pawning	رهن گذاری	گرو گذاری
pause	مکث کردن - توقف کردن	درنگ
pay	تادیه کردن	پرداختن
pay back	مسترد داشتن	پس دادن
payment	تادیه	پرداخت
payer	مؤدی	پرداخت کننده
payable	واجب الادا	پرداختنی
pay - off	تصفیه کردن	واریز کردن

payable on demand debt	دین عندالمطالبه	بدھی گاہ خواست
paying back	استرداد	بازپرداخت
paying in	تادیه	پرداخت
payment in advance		پیش پرداخت
peak	منتها درجه - حداکثر	برزا - برز - تارک ستیغ - قله
pedology		خاک شناسی
peasant	رعیت	روستایی
peddler	طواف	دوره گرد - دستفروش
peddlery		دوره گردی - دستفروشی
penetration	نفوذ - تداخل	درشد
penal	جزایی	کیفری
penalty	مجازات	کیفر
penal prosecution	تعقیب جزایی	پیگرد کیفری
pension	وظیفه - مستمری	گذرانه - مانکده
percent		درسد
per - capita		سرانہ
per ann		در سال، سالی - سالانہ
per - capita income		درامد سرانہ
per - diem	به قرار روزی	روزانہ - در روز
percentage	برحسب درصد	درسدنی - درسد
perception	ادراک	دريافت
perfect	کامل	هنگرد - راست - بوندہ
perfect competition	رقابت کامل	همچشمی هنگرد
perfection	کمال - تکمیل	هنگرددی
perfect market		بازار هنگرد
performance	اجراء - ايفاء	کردار

performance evaluation	تقویم عملکرد	ارزشیابی کردار
perimeter	محیط	پرگیر
period	دوره	گشتار
period cost	مخارج دوره محاسباتی	هزینه گشتاری
period of production	دوره تولید	گشتار فراورش
periodic	دوره‌ای	گشتاری
periodic quantity	كمیت دوره‌ای	چندی گشتاری
perish	هلاک شدن - تلف شدن	مردن - تباہ شدن
perishable	هلاک شدنی - فاسد شدنی - ضایع شدنی	مردنی - تباہ شدنی پایدار
permanent	مستمر - مداوم - ثابت	دارایی پایدار
permanent asset	دارایی دائمی	گسارش پایدار
permanent consumption	صرف مستمر	برانگاشت درآمد پایدار
permanent	فرضیه عایدی مستمر	دستوری دادن - روا داشتن
income hypothesis		پروانه
permit	جوزا - اجازه	
perpetual	دائمی - ابدی	همیشگی - پیوسته
perpetual annuity	مقرری مدام‌العمر - مستمری عمری	گذرانه همیشگی
perpetual insurance	بیمه مستمر - بیمه دائم	بیمه همیشگی
persistent	لایتغیر	ماندگار
per pro (per procuration)	وكالتاً	بهنمایندگی
perquisite	مداخل - عایدی متفرقه مال غیرقابل توارث	درآمد گهگاهی
person	شخص	تنال
personal	شخصی	تنالی

pesonality		خویشانی - منش
personel		کارکنان
personal	صرف شخصی -	گسارش تنالی
consumption	صرف فردی	
personal share	سهم اسمی	برخمایه نامی
pert		افت
persuade	اغوا کردن - ترغیب کردن	وادار کردن
pessimism		بدبینی
phase	دوره - مرحله - منزل - وجهه - صورت - منظر	گامه - برنمود
phenomenon	حادثه - عارضه - عَرَض	پدیده
petrol		بنزین - نفت خام
petroleum		نفت خام - نفت
petty	جزیی	خرد - کوچک
physics		چهرشناسی
physical		چهريک
physical asset	دارایی قابل لمس - دارایی مادی	دارایی چهريک
physiocratic	مکتب اقتصادی فيزيوکراتها -	هنداد چهريکي
system	طبيعون	چهريكيان
physiocrats	طبيعون	
piece	قطعه	تكه
place	مکان - مقام - محل	جا
plane	سطح مستوى	رويه هموار
plane		هامن - دشت
plan	طرح	برنامه - نگاره - فرانداز
planned		هنداخته - برنامه‌اي - فرانداخته
planner	طراح	برنامه‌ریز - هنداختار

planning	برنامه ریزی - هندازش فراندازش
planned economy	اقتصاد برنامه ای کدیوری برنامه ای
plant	نبات گیاه
plantable	قابل زرع کاشتنی
plant	غرس کاشتن
pledge	رهن - وثیقه گرو
pledge	رهن گذاشتن گرو گذاشتن
pledged asset	مال مرهونه دارایی گرویی
pledgee	مرهون له گروگر - مرتهن
pledger	راهن گروگذار
plateau	فلات - نجد پشتال
plus	بعلاوه - براضافه بیش
point	نقطه - رأس پتنه - نوکه
point of view	نقطه نظر دیدگاه
pointed	پتهدار
poison	سم زهر
poisoned	مسموم زهرزده
poisoning	زهرانش
poisonous	زهرآگین
polar	قطب سرآسه
pole	عماد - عمود پاغر
police	مأمور نظمیه پاسا - پاسبان
policy	کاراندیشی - راهبرد - رهگزینی خط مشی
policy	سیاست <sup>۱</sup>

۱. واژه سیاست فارسی است و از واژه ساه اوستایی به معنای فرمان راندن گرفته شده ساستار فرمانروای، سیاستمدار. واژه ساسان از همین ریشه است.

politician		ساستار
politics	سیاست مدن - علم سیاسی علم سیاست - امور سیاسی	ساستاری - دانش سیاست
poll	اعطای رأی	رأی جویی
poll tax		بازانه سرانه
poll		سرانه
pollution		نایاکی - آلدگی - پلیدی
pollination	تلقیح	گرده افشاری
poly		بس، چند
poly addition		بس افزایش
Polyonymous		چند نامی
population	جمعیت - نفوس	مردمگان
population census of		سرشماری مردمگان
popular	مشهور - خلقی - عمومی - وجیه المله	مردم پسند
port		بندر
portable	قابل حمل	دستی
porter	حمل	باربر
porterage	حملی	باربری
porter	حاجب	دربان
portrait	تصویر - تمثال	چهره
portion	سهم - نصیب	بخش - بهره
position	مقام - مکان - محل - موضوع - موضع قضیه	نهش - جایگاه
positive	ثبت	بیشاد
positivism	تحصیلی - مثبتگرایی	دستیافتی - بیشادگرایی
postpone	عقب انداختن - تعویق انداختن	پس افکندن
possibility	امکان	شایانی

possible	ممکن	شاید
postulate	اصول موضوعه	بن‌نهاد
potential	بالقوه	یارایی - یارا
potential demand	تقاضای بالقوه	خواست یارا
powder		گرد
power	قدرت	توان
poverty	فقر	تنگدستی - تهیلستی
possess	متصرف بودن	دارا بودن
possession	تصرف	دارایی
possessor	متصرف	دارا
post		پیک
practice	عمل - تجربه - تمرین - اجراء	کارآورده
practice and thoery	عمل و نظریه	کارآورده و دیدمان
pre fabricated		پیش ساخته
precede	سبقت گرفتن	پیشی گرفتن
precedent	سابقه	پیشینه
precious	قیمتی	بهادر
precaution	احتیاط	پیش‌بینی
preconception	تصدیق بلا تصویر	پیش‌انگاری
	تصور قبل از وقت	
predominance	سلط - نفوذ - غلبه	فردستی
prefer	ترجیح دادن	برتری دادن
preference	مزیت - رجحان	برتری
preference shares	سهم الشرکه‌های ممتاز	برخمامیه‌های برتر
prejudice	قضايا تبعیضی	دُشداوری
premature	غیر موقع	نارس
preparation	تهیه - تدارک	ساختن

prerequisite	شرط لازم - لازمه	پیش بایست
prepay		پیش پرداختن
prepaid expense		هزینه پیش پرداخته
prepare	مهیا ساختن - مجهز کردن	آماده کردن
present	حال	باشا، آمده
present value	قیمت حال	ارزش باشا
presence	حضور	باشایی - آمدگی
press	مطبوعات	نوشتگاران - فشاره
prestige	حیثیت - اعتبار	ورج
prevention	مانع	پیشگیری
price	قیمت	بها - ارزش
price level	سطح قیمت	تراز ارزش
at any price		به رهبا که باشد
at a low	به قیمت نازل	به بھا کم
priced	قیمت دار	بھادار - ارزش دار
high price	پر قیمت	گرانبها - پربها
low price		ارزان - کم بھا
priceless	بی قیمت - قیمت فوق العاده	بی بھا - بسیار گرانبها
primary	ابتدايی - مقدماتی	نخستین
primary reserve	ذخیره اولیه	اندوخته نخستین
primitive	بدوی	آغازی
prime	اولی	نخست - آغاز
prime costs	مخارج اولیه	هزینه های نخستین
principle	اصل	بنشت
principal	اصلی	بنشتی
prior	قبلی	پیشتر
priority	تقدم	پیشتری

private	خصوصی	تالگانی
prize	انعام - جایزه	دهش کردن - پاداش
pro	برله	برای
pro - forma		سیاهه
probability	احتمال	شایه - شایش
probable	احتمالی - محتمل	شایشی
probable error	خطای محتمل	لغزه شایشی
probation	امتحان	پیش آزمایی
probationary period	دوره امتحانی	گشتار پیش آزمایی
problem	مسئله	فراپرس - پرسمان
procedure	طرز اقدام - طرز عمل	کارآین
process	جريان - طريق - طرز عمل - سلسه عملیات مرتب	فراشد
process costing	تعیین خرج مراحل عمل	هزینه یابی فراشد
procurement	تهیه - حصول - تدبیر	فراهم سازی
production	تولید	فراورش
product	محصول	فراورده
productive	مولد	فراورنده
productivity	مولдیت	فراور - فراوری
products	مولدیت - محصولات	فراورده ها
product homogenous	محصول متজانس	فراورده همگن
product joint	محصول مشترک	فراورده همبسته
products marginal	محصول نهايی	فراورده مرزال
product cost	خرج محصول	هزینه فراورده
production, factor of	عوامل تولید	سازه های فراوری
production method	طريقة توليد	روش فراورش
production optimum	وضع مطلوب تولید	بهينه فراورش

productive capacity	ظرفیت تولید	گنجایی فراورش
profane	نجس - غیرمقدس	ناسپند
proffer	عرضه - تقدیم	پیشنهاد
profession	حرفة، شغل	پیشه
professional	حرفه‌ای	پیشه کار
profferer	عرضه کننده	پیشنهاد‌هنده
proficiency	مهارت - تخصص	زبردستی
proficient	ماهر، حاذق - متخصص	زبردست
profit	نفع - منفعت	سود
profit, gross	نفع غیرخالص	سود ناویژه
profit, net	نفع خالص	سود ویژه
profit and loss	نفع و ضرر	سود و زیان
profit motive	محرك نفع	انگیزه سود
profit taking	غنیمت نفع	دستاورد سود
profit reserve	ذخیره نفع	اندوخته سود
profitable	نافع - مفید	سودمند
profitableness	مفیدیت	سودمندی
profitably	بطورمفید	سودمندانه
profitless	بی منفعت	بی سود
profiteer	استفاده‌چی	گرانفروش
profound	عمیق	ژرف
proforma		پیشنهاد فروش کالا
progenitor	جد	نیا
progenitorship	نسبت جدی	نیایی
prognostication		پیشگویی کردن - پیش‌بینی کردن
program	طرح اجرای عمل	برنامه
programming		برنامه‌نویسی

programer		برنامه نویس
progress	ترقی	پیشرفت
progression	تصاعد	فرایا زی - پیشروی
progressive	مترقبی	پیشرو
progressive tax	مالیات تصاعدی	بازانه فرایا ز
prohibit	منع کردن - نهی کردن	جلوگیری کردن
prohibition	منع - نهی	جلوگیری - بازداشت
prohibitive	منع کننده - نهی کننده	بازدارنده
project	طرح	فرانداز
projection	طرح ریزی	فراندازی
promise	قول - وعده	پیمان
promissory note	قبض عند المطالبه - سند ذمه	برگه بدھی
proletariates		کارگران تحسایی
promote	ترقی دادن - ترفیع دادن	بالابردن - پیش بردن
pomoter	ترقی دهنده	پیش برندہ
proof	دلیل - مدرک - حجت	گواہ - نشانہ
propensity	تمایل	گرایش
propensity to borrow	میل به استقراض	گرایش به وامگیری
propensity to consume,	میل نهایی به مصرف	گرایش مرزا لی به گسارش
marginal		
proper	صحیح	درست
proper price	قیمت صحیح	ویژه - بھائی درست
property	مال - ملک	خواسته - دارایی
proportion	تناسب - سهم - نسبت	هم خورند
proportional	متناسب - نسبی	هم خورندی
proportionality	تناسب	هم خورندگی
proportional taxation	مالیات بندی نسبی	بازانه بندی هم خورندی

proportionless	غير مناسب - خارج از اعتدال	نام خورند
proposition	موضوع - مسئله - قضيه	فرانهاد - گزاره
propose	طرح کردن	پيشنهاد کردن
proposer	طرح کننده	پيشنهادکننده
propound	مطرح کردن - ارائه کردن	پيشنهادکردن
propounder	مطرح کننده	پيشنهادکننده
prosecution	تعقیب کردن	پیگرد
director of public prosecution	مدعی العموم	دادستان
prosecutor	وکيل عمومى	داديار
prospect	منظره - انتظار	چشم انداز
prospective	آينده نگر	دورنما
prospectus	اطلاع يه	آگاهينامه
prosperity	سعادت - رونق - رفاه	خوشبختي - نيك انجامي بهره مندي - فراوانى
prosperous	مساعد	فرخنده - خجسته - بهره مند
protection	محافظت - حمایت	نگهداري - پايدن - پناه
protest	اعتراض	واخواست - واخواهى
protestable	قابل اعتراض	واخواست کردنى
protocol	مقاؤله نامه - صورت مجلس سياسي	پيش نوشت
prototype	نسخه اصلى	نخستين نمونه
prove	ثبت کردن - امتحان کردن	بازنمودن
provide	تهيه ديدن - تدارك ديدن	آماده کردن
provision	تهيه - تدارك	آماده کردن - فراهم کردن
	تهيه آذوقه	خواربار
proximal	قريب مبدء - مرکز	نzedin
proximity	جوار - قرابت	نzediyki

proxy	وكيل	نماینده
proxyship	وكالت	نمایندگی
prudence	احتياط - حزم	دورانديشي
psychological	معرف النفس	روان‌شناسی - روان‌شناختی
psychological theory of business cycle	نظريه روحى دور اقتصادي	دیدمان روان‌شناختي چرخه‌های سوداگری
public	عمومي - عام	همگانی
public interest	نفع عمومي	سود همگانی
public works	فوايد عامه	کارهای همگانی
public utility	عام المنفعه	نيازگان همگانی
public loan	استقرارض عمومي	وام‌گيری همگانی
public ownership	مالكيت عمومي	دارندگی همگانی
public sector	موسسات غيرخصوصي	بخش همگانی
pulsation	ضربان - اهتزاز	تپش - جهندگی
pulse	ضربان	جهند
pump		ترزانه
punch		سفتن
punched		سفته
punched card		برگه سفته
punchist		سفtar
pure	خالص - صاف	ناب - پاو
purge	تطهيركردن	پاكسازی
purification	تطهير - تصفيه	پاوش - نابش
purify	تصفيه كردن	نابيدن - پاويدن
purpose	مقصود - مقصد - منظور - مراد	كامه
purchase	ابتياع	خريداري - خريد
purchase journal		دفتر روزنامه خريد
puritanism	حنفيت	پاکدیني

# Q

فارسی	عربی	انگلیسی
چونانی	قید - شرط - صفت - تعریف مشخصات - تکییف	qualification
چونانیدن	توصیف کردن	qualify
چونی	کیفیت	quality
چندی	مقدار - کمیت	quantity
دیدمان چندی پول	نظریه مقداری پول	quantity theory of money
چندی	مقداری - کمی	quantitative
واکافت چند یک	تحلیل کمی	quantitative analysis
چارک - چهاریک	مربع	quarter
مانا - نزدیک	شبہ - تقریباً - تقریبی	quasi
پرسش	سؤال	question
پرسشنامه		questionnaire
تند	سریع	quick
آرام	ساکت	quiet
برخانه	سهمیه - سهم	quota

# R

انگلیسی	عربی	فارسی
race	اصل - نوع - جنس	نژاد
racism	تبییض نژادی	نژادگرایی
radius	شعاع	پرتو
radiation	تشعشع	پرتوافکنی - تابش
radical	اساسی - اصلی - طرفدار اصلاحات اساسی	ریشه - پیشرو - تندرو
radicalism		شالوده‌گرایی
rail		تیرال
raise	ترقی دادن	برافراشتن - بالا بردن افزودن - بارآوردن
random	اتفاقی - تصادفی - الله بختی - کیف ماتفاق	بختانی - کتره‌ای
random error	اشتباه تصادفی	لغزه بختانی
random process	جريان تصادفی	فراشد بختانی
random variation	تغییر تصادفی	وردش بختانی
range	سلسله - ردیف	دامنه - رشته کوه
	صف - حیطه - حوزه	

range of variation	حيطه تغييرات	دامنه وردشها
rank	رتبه - درجه -	پايه - رشته
	ترتيب - مرتبه	
rank (to)	منظم کردن - طبقه‌بندی کردن به صف آوردن	آراستن
rapid	سریع	تند
rapidity	سرعت	تندی
rare	نادر	كمیاب
rate	نسبت - درجه	نرخ
rate (to)		نرخ بستن
rate of interest		نرخ بهره - نرخ بازده
ratio	نسبت - ضریب	درچند - درچندی
ratio estimate	تخمین نسبی	برآورد درچند
rational	عقلانی - معقول	خردپذیر
	عقلی - تعلقی - عاقلانه	
rationalism	اصالت عقل	خردگرایی
rationalization	طريقه تعلقی	خردپذیری
rationalize	عقلانی کردن	خردپذیرکردن
rationalized	معقول	خردپذیرفته
raw	غيرمجرب - عمل نیامده	خام
reaction	عكس العمل	واکنش
reactionary	ارتجاعی	واپس گرایی
real	واقعی - حقيقی	بن بود - راستین درست
realism	اصالت واقع	بن بودگرایی
reap	حاصل برداشت	دروکردن - درویدن
reaper		دروگر

reason	دلیل - جهت - سبب - علت - عقل شعور - تعقل	خرد - چم
reasoning	استنتاج - استدلال	چمگذاری
rebate	تخفیف	کاهش
receipt	وصول - وصولی	رسید، دریافت - دریافتی
receivable	قابل وصول	دریافتی
receive	وصول کردن	دریافت
reception	قبولی	پذیرایی
receptionist		پذیرکار
recession	كسادي - رکود خفيف	فروکش
reclamation	احياء	آبادسازی
recommend	توصيه	سفارش
reconciliation	صلح - تطبيق	آشتی - سازگاري - سازش
reconsideration	تجديدنظر	بررسی دوباره
reconstruction	تجديدبنا	بازسازی
record	ثبت - سابقه	يادنگاشت - پيشينه
	مدرک كتبی	يادينه
recorder	ضباط	يادنگار
records management	اداره امور مدارک	بايگانی
recoup	جبرانکردن - تلافی کردن	پاداش دادن - تاوان دادن
recover	تحصیل مجدد	بازيافت
recoverd		بازيافت
recoverable	قابل اعاده به حال اول	بازيافتني
recoverable expenditure	خرج قابل استرداد	هزينه بازيافتني
recreation	خلقت مجدد - ابداع مجدد	بازآفریني
rectangular	مربع مستطيل	راست گوشهای
rectify	اصلاح کردن - تصحيح کردن	درست کردن

recurrence	عود - تکرار	برگشت
recurring cost	خرج مکرر	هزینهٔ برگردانده
recursive system	سیستم راجعه	هنداد برگشتار
redeem	از رهن درآوردن	بازخریدن - از گرو درآوردن
	فک کردن	
redeemable	قابل ابیاع از رهن درآوردن	بازخریدنی - از گرو درآوردنی
rediscount	تنزیل مجدد	فروکاهی دوباره
redistribution	توزیع مجدد	پخش دوباره
reduce	تقلیل دادن - کسر	کاهیدن
reference	رجوع - عطف - ارجاع - مأخذ	بازبرد
referendum	مراجعةه به آراء عمومی	رأی جست همگانی
		همه پرسی
refinement	تصفیه	پالایش
refinery	تصفیه خانه	پالایشگاه
refiner	تصفیه کننده	پالاینده
reflection	انعکاس	بازتابش
reflective	منعکس سازنده	بازتابا
reflex	حرکت انعکاسی	بازتاب
reform	اصلاح	بهارایی - بازتاباشی
reformer	اصلاح طلب	بهارا - بازتابشگر
reformative	اصلاحی	بازتابشگرایی - بهارایی
reformed		بازتابشیده - بهاراییده
reformism	اعتقاد به اصلاحات	بهاراگرایی - بازتابشگرایی
refugee capital	سرمایهٔ مهاجر	سرمایهٔ گریزان
refund	مسترد داشتن	پس دادن
region	منطقه - ناحیه - حوزه - قلمرو	پادوس

regional trade	تجارت منطقه‌ای	بازرگانی پادوسی
registration	ثبت - ثبت کردن	نگاشتن - نامنویسی کردن
registry office	اداره ثبت	سازمان شناسه‌نگاری
registry	محضر	دفترخانه
regular	منظم - مرتب	آراسته
regulation	تنظيم	آراستن
rehabilitation	ترمیم کردن	توانبخشی
rejection	رد - عدم قبول	وازنش
related market	بازارهای مرتبط	بازارهای وابسته
relation	نسبت - ارتباط - ربط	بستگی
related variables	متغیرهای مرتبط	وردهای وابسته
relative	نسبی - موكول - مربوط	وابسته
relative maximum	حداکثر نسبی	بيشينه وابسته
relative minimum	حداقل نسبی	كمينه وابسته
relative priority	اولويت نسبی	پيشترى وابسته
release	ترخيص (از گمرک)	بيرون آوردن
religion	مذهب	كيش - دين
remainder	تفاضل - بقيه - تتمه - مازاد	مانده
remark	تفسير - ملاحظه - اظهارداشت	بيشن
remedy	علاج - جبران - رفع	چاره - درمان
remittance	ارسال وجه	فرستادن پول
remitter		گيرنده (پول فرستاده شده)
relative income	فرضيه نسبی عايدی	برانگاشت وابسته درآمد
hypothesis		
remnant	باقيمانده - بقية السيف	مانده
remuneration	تلafi - اجر	پاداش
renew	تجديده کردن	نوکردن

renewable	قابل تجدید	نوکردنی
renewal	تجدید - تبدیل به احسن	نوسازی - تازه سازی
rent	اجاره - عایدی ملک اجرة المثل	بهره زمین - بهریجه
rendement	نتیجه عمل	کارکرد
repair	مرمت - تعمیر	درست کردن
repayment	تادیه مجدد	بازپرداخت
replacement	تعویض	جانشینی - جاگدازی
replacement cost	قیمت تعویض	بهای جانشین
report	اظهار - اعلام کردن	گزارش دادن
represent	بیان کردن	نمایش
representative	حاکی از - مشعر بر	نمایشگر
repression	منع	سرکوفتن
repressed inflation	تورم تحت کنترل	آماس سرکوفته
reproduction	تولید مجدد - توالد و تناسل - تکثیر	باز فراورده
reproduction rate	نسبت توالد و تناسل	مانازایی
repudiation	نکول - عدم قبول	نرخ ماناسازی
repulsion	دفع - تنفر	نپذیرفتن
request	تفاضاکردن	رانش
requirement	احتیاج - لازمه - شرط	درخواست کردن
required	مورداحتیاج	در بایست
required bank reserve	ذخیره مورداحتیاج بانک	بایسته اندوخته با بایسته بانک
requisition	تفاضا	درخواست
research	تحقیق	پژوهش
reserve	ذخیره - ذخیره کردن به خود اختصاص دادن	اندوختن - جاگرفتن

reservation	اختصاص به خود	جاگرفت
residence	محل اقامت	مانشگاه
resident	مقیم	باشندہ
residual	الباقی	پس مانده
resistance	مقاومت	ایستادگی
resolve	تجزیه شدن - تحلیل رفتن	بازگشودن
resources	منابع	بنخانی - داشته گان
response	جواب - حرکت متقابل	پاسخ - پیواز
reponsibility	مسئولیت	پیوازش
responsible	مسئول	پیوازنده
rest period	وقت استراحت	زمان آسایش
restrain	منع - توقيف - ضبط	جلوگیری - نگهداری
result	نتیجه - ماحصل	برآمد
retail	جزیی فروشی	خرده فروشی
retailer	جزیی فروش	خرده فروش
retain	حفظ کردن - موقوف نکردن	نگاهداشت
retard	تأخير - تعویق	بازماندن
retarded	معوق - مؤخر	بازمانده
retention	ابقاء - ضبط - حفظ - حبس	بازدارش
retirement	تقاعد	بازنشستگی
retrospective	ناظر به ماضی - شامل گذشته عطف بماسبق کننده	واپس نگر
return	عاید ساختن - مراقبت	بازده - برگشت
revenue	دخل - عایدی	درآمد
revocable	قابل فسخ	برگشت پذیر
revocable credit	اعتبار قابل فسخ	ارزه برگشت پذیر
revolution	انقلاب - تغییر اساسی	واگشت

revision	تجدد النظر	بازنگری
revisionist	تجدد نظر طلب	بازنگر
revolve	تغییر کردن - سیر کردن	گردش کردن
revolving	راجعه	گردان
revolving fund	اعتبار متحرک	تنخواه گردان
reward	اجر - تلافی - عوض - جایزه - انعام	پاداش - سزا
rhythm	وزن - سجع - توافق	رون
rhythmic	موزن	روهمند
right	حق	راستاد
rigid	محکم - جدی - متصلب	شفت
rigidity	محکمی - تصلب	شفقی
rise	ترقوی - صعود	خیز
risk	خطر - مخاطره - احتمال ضرر	سیژ - سیژین
rival	رقیب	همچشم
rivalry	رقبت	همچشمی
robbery	سرقت	دزدی - راهزندی
rotation	حرکت وضعی	گردش - چرخش
rotational		چرخشی
round	در اطراف	گردآگرد - گرد
rounding		سرراست کردن
row	ردیف - قطار - سطر	رج
royalty	حق الامتیاز - حق اختراع	واگذارانه - پدید آورانه
rule	قاعدہ	دستور
ruler	حاکم	فرمانروا
rural	زراعی	روستایی
rustic	رعیتی	روستایی

# S

انگلیسی	عربی	فارسی
sabotage	تخريب عمومي	زيانکاري
sacred	مقدس	سپند
safety	تأمين - اطمینان	بی‌گزندی
safety factor	- عامل استحفاظی عامل اطمینان	سازه بی‌گزندی
salary	مواجب - حقوق	مزدگانی
sale		فروش
salesman		فروشکار
salemanship		فروشکاری
sample	مسطوره	نمونه
sampling		نمونه‌گیری - نمونه‌برداری
sanction	ضمانات اجرایی	پایندانه
satisfaction	رضایت	خوشنودی
saturation	اشباع	سیرش
saturate		سیرکردن
saturated		سیر شده
saturation point	نقطه اشباع	پنته سیرشدگی
savage	توحش	ناکدی - تور - آرام

savage life	حيات وحشيانه	زندگى ناکدی
saving	صرفه جويى	پس انداز
scale	مقاييس - ميزان - طبقه بندى - نسبت	ستجه
scale of production	مقاييس توليد	ستجه فراورش
scalar product		فرامد نرده اى
scalar quantity		چندى نرده اى
scarcity	قحط	نایابى - کمیابى
scarce	نادر	کم - کمیاب
scarce currency		پول کمیاب
scarcity and choice		کمیابى و گزینش
scatter	متفرق كردن	پراکنده كردن - پاشیدن
schedule	جدول - صورت تكميلى	فرانما
scheduled cost	خرج مطابق طرح	هزينه فرانمايى
schema	طرح - نقشه - تمهيد	چهريز
schematic	طرحى	چهريزى
scholar	طلبه - فاضل - عالم	دانش پژوه
scholarship	فرصت تحصيل مجاني	يارش
school	مكتب	دبستان
scholasticism	أصول فلسفى و مذهبى و تدریسى قرون وسطى	دبستانىك
schools of economic thoughts	مکاتب افكار اقتصادى	دبستانهای اندیشه های کدیورى
science	علم	دانش
scientist	أهل علم - عالم	دانشمند
scienter	عمداً - تعمداً	دانسته
scientific socialism	سوسياليسم علمى	هازه گرایي دانشى
sea	بحر	دریا

sea level	سطح بحر	دریاتراز
sea port		دریا بندر
sea shore		دریا کنار
sea carriage	حمل و نقل بحری	ترابری دریایی
season	فصل	فرگرد
secession	انفصال - تفکیک	گستت
search	تحقيق	جستجو - بازرگانی
second		دوم
second hand market		بازار کالاهای دست دوم
secret	مخفی	پنهانی
secret reserve	ذخیره مخفی	اندوخته پنهانی
section	قسمت - دایره	بخش
sector	شق - قطاع	بخش
secure	امن - محفوظ - مطمئن	آبیم
secure investment		سرمایه گذاری ابیم
security	اطمینان خاطر - امنیت	ابیمی
securities	اوراق قیمتی	برگهای بهادر
selection	انتخاب	وجینش - وجیدن
selective selling		فروش وجیده
self	نفس	خود
self conception		خودانگارش
self service		خودزواری
self consumption	خود مصرفی	خودگساري
self sufficiency	خودکفا بی	خودبسندگی
self sufficient	خودکفا	خودبسنده
sell	بیع	فروختن
seller	بایع	فروشنده

seller's market	بازار فروش - بازار فروشنده‌گان
semiannual	نیمسالانه
send	ارسال
sender	ارسال‌کننده
seminar	ویدآوری
sensation	سُهش - سوهش
sensless	بی‌احساس
sensibility	حساسیت
sensible	محسوس
sensitive	حساس
sensitivity	سهشواری
sensitize	سهانیدن
sensitizer	سنه‌گر
sensualism	سنه‌گرایی - سوهه‌گرایی
separation	جدایش - جدایی
separationist	تجزیه طلب
separatist	جداخواه
sequential	متوالی
sequential analysis	پی‌آیش، پی‌درپی
serial	واکافت پی‌درپی
service	پی‌ایند - رشته‌ای
servant	زوارش
session	زاور' - زوار
	نشست

settlement	تسویه - اقامت - مسکن	واریز - مانگاه
settling	اسکان	ماندگاری
sewage	فاضل آب	پارگین
self alienation		از خود بیگانگی
shadow price	شبہ قیمت - قیمت خیالی	بهاگونه - بهای پنداری
sham		ساختگی
sham sale		فروش ساختگی
share	سهم شرکت	برخایه
shift	نوبت	وارگی
shifting of taxation	انتقال مالیات	جاگردانی بازار
ship (to)	حمل و نقل با کشتی	تراپرس باکشتنی
schock	ضریب	کوب - تکان
shop		دکان - کارخانه
short	مختصر - ناقص	کوتاه
short of money		کم پولی - بی پولی
short sale	سلم فروشی	پیش فروشی
shortage	کسری	کمبود - کمی
side	طرف - سمت - جهت	پهلو
sight	رویت	دید
sight draft		برات دیداری
sign	علامت	نشان - نشانه - دخشه
signal	علامت	نشانک
signature	امضا	دستینه
silver		نقره - سیم
similar	مشابه - متتشابه	همانند - مانا
similarity	شباهت	مانایی - همانندی
simple	بسیط	ساده - ایوانه

simplification		ساده‌سازی
simple credit	اعتبار بدون تایید	ارزه ساده
simple interest	ربح ساده	بهره ساده
simulation	صوری	مانش
simultaneous	مقارن	همزمان
single	انفرادی	تک
single proprietorship	مالکیت انفرادی	دارندگی تکی
site	محل	جایگاه
situation	وضع - حالت	استانش
size	مقدار - قد	اندازه
sketch	طرح - مسوده - شرح خلاصه	گزار - بیرنگ - گرده
skill	مهارت	زبردستی - استادی - کارданی
skilled	ماهر	زبردست - کاردان
slum	محله کثیف شهر	zagheh‌های شهر
small	غیرمهم - جزیی	کوچک - خرد
smash	عدم موفقیت مالی	ورشکستگی
smelting	ذوب	گداز
social	اجتماعی	هازمان
socialism	اصلات اجتماع	هازه‌گرایی
socialist	اجتماعی - معتقد به اصلات اجتماع	هازه‌گرا
society	اجتماع - جامعه	هازمان
sociality	اجتماعی بودن	هازه‌خواهی
sociable	اجتماعی	هازه‌پذیر
sociability	جامعه‌پذیری	هازه‌پذیری
sociologist	جامعه‌شناس	هازه‌شناس
sociology	جامعه‌شناسی	هازه‌شناسی
slump	تنزل فاحش	افت

soil		خاک
soil classification	طبقه‌بندی خاک	رده‌بندی خاک
soil erosion	تحلیل خاک	فرسایش خاک
solvency	ملائت - عدم اعسار	توانایی پرداخت بدهی
solvent	قادر به تادیه قروض	توانا به پرداخت وام
soft	لطیف - ملایم	نرم
solid	جسم جامد - جامد - محکم	soft - بربسته - دج - شفت
solidification	انجماد - تحکیم - تبدیل به جامد	سفتانش - شفتش
solidify	سفتانیدن - شفتیدن - بستناکی جامد کردن	سفتانیدن - شفتیدن - بستناکی جامد کردن
		دجی
solidus		شفته
sort	قسم - نوع	سرده
solution	حل - محلول - انحلال	گشودن
solvant		گشاینده
source	منبع - منشاء	بنخان
sovereignty	سلطنت - حاکمیت - اقتدار	فرمانروایی - والا ی
sovereign	سلطان - مطلق - مستقل - عالی	فرمانروا - والا - سرور
sovereignty of the consumer	اقتدار مصرف‌کننده - قدرت مطلقه مصرف‌کننده	فرمانروایی گسارنده
space	فضا - وسعت	سپاش
spare	صرفه جویی کردن	پسانداز کردن
special	مخصوص	ویژه
specialist	متخصص	ویژه کار
specialization	تخصص	ویژه گری
specialize	اختصاصی کردن	ویژه کردن
specialized	اختصاصی	ویژه شده - ویژیده
species	نوع	گونه

specie	مسکوک - سکه	برکوبه
specimen		نمونه
speculation	معاملات قماری	سفته بازی
speculation	تحقیقات نظری	گمان پردازی
speed	سرعت	تندی
spend	خرج کردن	هزینه کردن
sphere	فلک، حوزه - دایره - محیط	سپهر
spread	توزیع کردن - انتشاردادن	پخش کردن
spreader	منتشر کننده	پخشان
spurious	قلب - بدل	ناسره
spurious money	پول قلب	پول ناسره
stability	ثبات	پایداری
stage	مرحله	گامه
stagflation	تورم رکودی	آرمست آماس
stagnation	رکود	آرمست
stand	توقف - مکث	ایستاده - ایست
stand alone		تکیسته
stand by		آماده بکار
standard	معیار	برسنچ
standardization	معیاری کردن	برسنچش
standardized		برسنچیده
start	شروع کردن	آغاز کردن
starting price	قیمت اولیه	بهای آغازین
state	حالت - حال - وضع	ایستاد - چگونگی - استا
state	ملت - ایالت	کشور
statement	بیانیه - اظهاریه - صورت وضعیت	دستور
statesmanship		سیاست دانی - کشورداری

static	سکونی - غیرفعال	ایستایی - ایستار
statics	بحث اجسام ساکن	ایستارگان
static analysis	تحلیل سکونی	واکافت ایستایی
station	مقام	ایستاد
stationary	ساکن - ثابت	ایستان
statistics	احصائیه	آمار
statistic		سرشماری
statistician		آمارشناس
status	وضع - وضعیت - منزلت - حالت - مقام	پایه
steam	بخار	وشم'
steady	راسخ	پایدار
step	مرحله - رتبه - درجه	گامه
strategy		راهبرد
sterile	عقیم	نازا - سترون
sterility	عقیمی	سترونی
sterlize		سترون کردن
steward	وکیل خرج	پیشکار
stimulation	تحریک	انگیزش - آغالش
stimulus	محرك - وسیله تحریک	انگیختار - اغاله
stochastic	تصادفی - اتفاقی	بختانی
stochastic model	مدل تصادفی	الگوی بختانی
stock	سهم	برخ
stop	توقف	ایست
storage	مخزن	انبار

storey	طبقه	آشکوب
straight	مستقیم - مرتب	راست - درست
stratification	تشکیل طبقات	چینه‌بندی - رده‌بندی
strike	اعتصاب	کارهشت
structure	ترکیب - بنیه - طرز	ساختار
struggle	تنازع - منازعه	کشاکش
study	مطالعه	بررسی
style	طرز	شیوه
sub	تحت	زیر
subject	موضوع	نهاده
subjective		نهادی
subscription	تقبل - عضویت - اشتراک	درپیوستگی
subsidy	کمک - کمک مالی - اعانه	یارانه
subsistence	معاش - خرجی - اعانه	گذران زندگی
subsistence economy	اقتصاد معیشتی	کدیوری گذرانی
substitue	قائم مقام	جانشین
substructure		زیرساخت
substitution	تبدیل - نیابت	جانشینی
success	موفقیت	پیروزی
succession	توالی - تعاقب	جانشینی
sue	تعقیب کردن	پیگیری کردن
sufficient	کافی	بسنده
summary	تلخیص - خلاصه	فسرده
summit		تارک
super	فوق	زیر - ابر
supermarket		فروشگاه بزرگ
superior	اعلى - مافوق	بالاتر - بهتر

supply	عرضه	نمود - برنمود
support	تقویت - حمایت	نگاهداری - پشتیبانی
suppress	موقوف کردن - توقیف	فرونشاندن
suppressed inflation	تورم موقوف	آماس فرونشناده
surface	سطح	رویه
surplus	مازاد - اضافه	افزونه
surplus value		ارزش افزونه
survey	ممیزی	فراشناسی
symbol		نماد
symbolic		نمادی
symbolism		نمادگرایی
symbolist		نمادگرا
symbolization		نمادش
symbology		نمادشناسی
symmetric	متقارن	بسان - همال - همتا
symmetry	قرینه - تقارن - تناسب	همایی - همتایی - بسانی
	مراعات نظیر	
sympatisant		هواخواه - هوادار
sympathy	موافقت - همفکری - رقت	همدلی - هواداری
symposium	ضیافت پس از شام - (دریونان باستان مجلس مذاکره رفیقانه)	همسگالی
synchronic	معاصر	همزمان
synthesis	ترکیب - جامع - تأليف	هماهشت
system	نظام - منظور	هنداد
systematic	منظمه - بانظام	هندادی
systematics		هندادگان

# T

انگلیسی	عربی	فارسی
table	جدول	خانگان
tableau economique	جدول اقتصادی	خانگان کدیوری
tactic	تدبیر حربی - مهارت	رزم آرایی - کارآرایی
take	قبض	گرفتن
take off		خیزش
tangent	مماس	پساوه
tangible assets	دارایی دیدنی - دارایی پسودنی	مال مشهود
target	هدف	آماج
tariff	تعرفه	مرزانه - راهانه
tax	مالیات	بازار
teach	تعلیم	آموختن
teacher	معلم	آموختار
technic		ورزمان
technical		ورزگانی
technologist		ورزه شناسی
technology		ورزه شناسی
technocracy		ورزه سالاری
tendency	تمایل	گرایش

tension	تمدد	تش
terminal	نهایی - انتهایی	پایانه
territory	محل - حوزه - ناحیه - منطقه	سرزمین
test	محک - معیار	آزمون
theft	سرقت	دزدی
theory	نظریه - فرضیه علمی	دیدمان
theme	موضوع - مطلب	بننهاد
thesis	قضیه - فرض اصلی - فرض	نهشت
time	وقت	زمان
time deposit	ودیعه مدت دار	سپرده زمان دار
time table		زمان نما
tithe	عشر - عشریه	ده یک
title	عنوان	فرنام
token	دلالت	نشانک
tolerance	تحمل - مساهله	بردباری - آسانگیری
tool	لوازم	ابزار
top	صدر - فوق	سر - بالا
total	مجموع - جمع	گشتن
	کل - کلی - تام - کامل	
totality	تمامیت - جامعیت	گشتنی - گشتنال
total demand	تقاضای کل	خواست گشتنی
tour	سفر - سیر - سیاحت	گشت
tourism	سیاحت	جهانگردی
tourist	سیاح	جهانگرد
town	بلد	شهر
trade	تجارت - مبادله - معامله - کاسبی	داد و ستد
trademark	علامت تجاری	آنگ

tradition	رسم - سنت	تراداد
traffic	عبور و مرور - تردد	شد آمد
train	قطار	رستال
train	تربیت کردن	پرورش دادن
trained	تربیت شده	پرورده
trainer	مربی	پرورشگر
trainee	تحت تربیت	پرورشگیر
training	تربیت	پرورش
transaction	معامله - رد و بدل	داد و ستد
transcend	ما فوق بودن - فائق بودن	فرازیدن - برزیدن
transfer	انتقال	تراورش
transferred	منتقل شده	تراورده
transform	تغییر شکل دادن	تراسانیدن
transformation	استحاله - تغییرشکل -	تراسانش
	تبديل صورت	
transit	عبور	گذر
transition	عبور - انتقال	گذرش
transport	حمل و نقل	ترابرد
transportation	حمل و نقل	ترابرش
travel	مسافرت کردن	سپار
traveller	مسافر	سپاری
treason	خیانت	فریفتاری
treasure	خزانه	گنجینه
treasurer	خزانه دار	گنجور
treasureship	خزانه داری	گنجوری
treaty	معاهده - عهدنامه	پیمان - پیماننامه
trend	تمایل - مسیر	روند

tribe	قبيله - طايفه - ايل - عشيره - سبط	تبار
trust	اعتماد - اطمینان - سمت امين تركه	استوان
trust	اتحاد انحصاری شرکتها	همبازگان
trustee	امين	باورگان
tuition	حق تعلم	آموزانه
turn	تغيير - تبديل	گشت
turnover	كل فروش يك واحد اقتصادي	كارگشت
type	رقم - سنسخ - نوع - قسم	سرده - انگاره - نمونه

## u

انگلیسی	عربی	فارسی
ultimatum	اتمام حجت	پسین گفت
unacceptable	غيرقابل قبول	ناپذیرفتنی
unemployment	عدم اشتغال	بیکاری
underconsumption	صرف غیرمکفى	کم گساری
underdeveloped area	قلمرو توسعه نیافته	کشورهای واپس مانده
underdevelopment	عدم توسعه	نبالیده
underemployment	اشغال ناقص	کم گماری
uniform	متعدد الشکلی	یکسان - هم ریخت
uniform field		میدان یکسان
uniformity	متعدد الشکل	یکسانی - هم ریختی
unity	متعدد کردن	ایوانیدان <sup>۱</sup>
unifying		ایوش
unit	واحد	ایوه
unite	متعدد کردن	ایویدن
united	متعدد	ایویده

۱. از واژه «اِلو» اوستایی و «ایو» پهلوی بمعنی «یک» هم ریشه با one انگلیسی.

unity	وحدت	ایوگی
union	اتحادیه - اجتماع	ایوش
unique	بی نظیر	یگانه
unilateral	یک طرفه - یک جانبه	یک سویه
univalence		یک ارزی
univalent		یک ارز
universal	عالملگیر - کلی	جهانی - همادی - کیهانی
universal demand		خواست جهانی - خواست همادی
universe	عالیم	کیهان
university	دارالفنون	دانشگاه
unlike	مختلف - برخلاف	نه مانند
unknown	معجهول	ناشناخته
unlimited	غیرمحدود	اویمند
unsafe	غیرامن	سیجنات
unsolvable	غیرقابل حل	گشايش ناپذير
up-to-date	متداول - جدید -	روزین - بروز
	مطابق آخرين طرز	
urban	مدنی	شهری
urbanism		شهرگرایی - شهر منشی
urbanization		شهرنشینی - شهرنشانی
urgency	ضرورت - فوریت	اشتاب - شتاب
usage	استعمال - تداول - عرف	کاربرد
use	استعمال	کاربرد
user	استعمال‌کننده	کاربر
use value	ارزش استعمال	ارزش کاربرد
utility	منفعت - فایده	هوده
utilitarian		هوده‌گرا

utilitarianism		هوده گرایی
utilization	استفاده	هودگی
utopia	جامعه تخیلی - مدینه فاضله	هازه پنداری - شهرستان نیکویی <sup>۱</sup>
utopian socialism		هازه گرایی پنداری

# V

انگلیسی	عربی	فارسی
vacuum	خلاء	تهیگی
validity	صحت - اعتبار -	ارزشمندی
	قوت قانونی	
valuable	قيمتی	گرانبها
value	قيمت	ارزش
variable	متغير	وردا
variable price	قيمت متغير	بهای وردا
variant	متغير - مغایير	وردان
variance	مغایرت - اختلاف ما به التفاوت	وردنده
variation	تغير	وردش
variety	قسم - تنوع - نوع	ورده
vary	تغير دادن	وردانیدن
vector	حامل	بردار
vectorial quantity	كمیت حاملی	چندی برداری
vectorial product		فراور برداری
velocity	سرعت	تندی

velocity of circulation of money	تندی گردش پول
vertical	عمودی
vicious circle	دور باطل
vendor	فروشنده
vend	فروختن
vendee	خریدار
vendible	فروش رفتنه
verification	تحقیق - ممیزی
vertex	رأس
view point	لحاظ - نقطه نظر
visible	مرئی
vocation	شغل - کسب
volume	حجم - جلد
voting	گنج - پوشانه
	رای گیری

# W

انگلیسی	عربی	فارسی
wage	اجرت	مزد
want		خواستن
waive	اسقاط حق - صرف نظر کردن	چشم پوشی
ware house	مخزن	کالنبار
waste	تلف - باطل - غیر ضروری	آخال
wave	موج	ورمه
wealth	ثروت - مال	دارایی
wear		سایندگی - فرسودگی
weight	وزن	گرانی - سنگینی
welfare	رفاه	بهزیستی
welfare economic	اقتصاد رفاه	کدیوری بهزیستی
well being		بهزیستی
whole	تمام - کامل	گشت
wind fall	غنیمت - ثروت غیر مترقبه	خواسته باد آورده
wild	وحشی	آرام - تور - ناکدی
will	اراده - میل	خواست

---

wish	میل داشتن	ایش <sup>۱</sup> - کام
work	عمل - شغل	کار
worker	عمله	کارگر
workshop		کارگاه
worth	قیمت	ارزندگی

**Y**

انگلیسی

yield

عربی

حاصل

فارسی

بازده

# Z

انگلیسی

zone

عربی

مدار - ناحیه - منطقه

فارسی

کمربند - سرزمین

## کتابهای دیگر نویسنده:

- گاتها - سرودهای مینوی زرنشت  
خرده اوستا
- تاریخ عقاید اقتصادی  
سیاست مالی برای رشد اقتصادی ایران
- آواز زنگولهها  
شهر روشن زرنشت
- اسب سپید خورشید  
دیالکتیک در گات‌ها و منتوی معنوی
- پژوهشی در آرمان پارسایی  
منش ملی و منش پارسایی
- هنجار هفتگانه هستی  
اردیبهشت و بیگانگی از خود
- جهان بینی زرنشتی و عرفان معنان  
سرود هات ۲۹ گات‌ها
- سرود هات ۳۰ گات‌ها
- دین پایه زرنشتی  
پژوهشی در فرهنگ زرنشتی
- رسنم در شاهنامه - دفتر یکم زایش

رستم در شاهنامه - دفتر دوم  
نام‌های ایرانی  
برگردان خودآموز زبان اسپرانتو  
زبان اسپرانتو - خودآموز فارسی - کتاب سیلاجی

## بن نوشت واژه‌نامه:

دانشمند گرانمایه استاد دکتر منوچهر فرهنگ <sup>۱</sup>	فرهنگ علوم اقتصادی شاہنامه فردوسی لغت‌نامه دهخدا فرهنگ معین لغت‌نامه فارسی فرهنگ نظام
دانشمند روانشاد دکتر بهرام فرهوشی	فرهنگ فارسی به پهلوی برهان قاطع
ویراسته محمد عباسی	فرهنگ رشیدی واژه‌نامه فارسی
شمس فخری اصفهانی	معیار جمالی
ویراسته دانشمند گرانمایه استاد دکتر صادق کیا - استاد زبان پهلوی در دانشگاه تهران - سرپرست فرهنگستان زبان (فرهنگستان دوم)	واژه‌نامک
عبدالحسین نوشین	فرهنگ دانشگاهی
دکتر عباس آریانپور کاشانی -	

۱. کتاب فرهنگ علوم اقتصادی دانشمند گرانمایه استاد دکتر منوچهر فرهنگ از گرانبارترین و ارزشمندترین فرهنگهای اقتصادی است که نویسنده از آن بهره بسیار گرفته است.

انگلیسی - فارسی  
دکتر منوچهر آریانپور کاشانی

فرهنگ انگلیسی - فارسی  
حییم

فرهنگستان ایران، واژه‌های نو و واژه‌های پذیرفته شده فرهنگستان ایران  
(فرهنگستان یکم)

واژه‌های پیشنهادی گروه‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان (فرهنگستان دوم)  
با درود فراوان به کار بسیار پر ارج همه همنوندان دانشمند و گرامی فرهنگستان یکم و  
دوم

واژه‌های بکار رفته در کتابهای دانشمند گرانمایه استاد دکتر محمد مقدم  
واژه‌های بکار رفته در برگردان‌های گرانبهای دانشمند روانشاد دکتر مهرداد بهار.

A Dictionary Of Avesta, Gujarati. and English Language , by  
kavasji, Edalji Kanga.

English - Avesta Dictionary, by kavsji Edalji Kanga Bombag  
1909.